

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



منشور حکمرانی شهری

نگارنده: حسین کیانی نیا

نامزد هفتمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش

خردادماه ۱۴۰۵

تهران، ری و تجریش امروز با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌های کم‌سابقه روبه‌رو هستند. از یک سو، این کلان‌شهر بزرگ‌ترین مرکز سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کشور محسوب می‌شود و بخش مهمی از ظرفیت‌های ملی در آن متمرکز شده است. از سوی دیگر، پیچیدگی مسائل شهری، رشد جمعیت، فشار بر زیرساخت‌ها، آلودگی‌های زیست‌محیطی، نابرابری در دسترسی به خدمات و فاصله روزافزون میان شهروندان و نهادهای تصمیم‌گیر، مدیریت شهر را به یکی از دشوارترین عرصه‌های حکمرانی عمومی تبدیل کرده است.

در دهه‌های گذشته، مدیریت شهری عمدتاً بر توسعه کالبدی شهر متمرکز بوده است. ساخت بزرگراه‌ها، پل‌ها، ساختمان‌ها و پروژه‌های عمرانی هرچند بخشی از نیازهای شهر را پاسخ داده‌اند، اما به تنهایی نتوانسته‌اند کیفیت زندگی شهروندان را به سطح مطلوب برسانند. تجربه نشان داده است که شهر تنها مجموعه‌ای از سازه‌ها و زیرساخت‌ها نیست؛ شهر یک موجود زنده اجتماعی است که حیات آن به میزان مشارکت مردم، کیفیت حکمرانی، سطح اعتماد عمومی و عدالت در توزیع امکانات بستگی دارد.

امروز بسیاری از شهروندان احساس می‌کنند در فرآیند تصمیم‌گیری‌های شهری سهم اندکی دارند. مشکلات محلات گاه سال‌ها بدون پاسخ باقی می‌ماند، برخی مناطق از امکانات و خدمات بیشتری برخوردارند و برخی دیگر همچنان با کمبودهای مزمن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در چنین شرایطی، مهم‌ترین وظیفه شورای اسلامی شهر آن است که به حلقه اتصال میان مردم و مدیریت شهری تبدیل شود و از جایگاه قانونی خود برای اصلاح رویه‌ها، افزایش شفافیت و دفاع از حقوق شهروندان بهره بگیرد.

من معتقدم که آینده تهران، ری و تجریش نه در اتاق‌های بسته تصمیم‌گیری، بلکه در مشارکت آگاهانه شهروندان، نظارت عمومی و پاسخگویی مدیران رقم خواهد خورد. شهر زمانی موفق خواهد بود که مردم خود را شریک اداره آن بدانند؛ زمانی که تصمیمات شهری بر پایه داده، دانش و نیازهای واقعی محلات اتخاذ شود؛ و زمانی که مدیران در برابر عملکرد خود به مردم پاسخگو باشند.

بر همین اساس، منشور حکمرانی شهری تدوین شده است. این منشور مجموعه‌ای از اصول، راهبردها و سیاست‌هایی است که در چارچوب اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر قابل پیگیری و اجرا هستند. هدف این سند ارائه وعده‌های غیرواقعی یا فراتر از اختیارات شورا نیست؛ بلکه تلاش می‌کند نقشه راهی روشن برای بهبود حکمرانی شهری، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و افزایش کارآمدی مدیریت شهری ارائه دهد.

این منشور بر چهار اصل بنیادین استوار است: مشارکت مردم، شفافیت در تصمیم‌گیری، عدالت در توزیع فرصت‌ها و خدمات، و کارآمدی در اجرا. تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های مطرح‌شده در صفحات بعدی، ذیل این چهار اصل تعریف شده‌اند و تلاش دارند میان توسعه شهری، رفاه عمومی، حفظ محیط زیست، رشد اقتصادی و هویت فرهنگی شهر تعادل برقرار کنند.

من به عنوان نامزد شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش، خود را متعهد می‌دانم که در صورت کسب اعتماد مردم، از جایگاه شورا برای دفاع از حقوق شهروندان، تقویت نظارت بر مدیریت شهری و پیگیری مطالبات محلات استفاده کنم. باور دارم که شورای شهر باید صدای مردم باشد، نه صرفاً بخشی از ساختار اداری شهر.

این منشور دعوتی است به مشارکت، گفت‌وگو و همکاری برای ساختن شهری که در آن مطالبه‌گری حق مردم باشد و مسئولان شهری پاسخگویی را وظیفه خود بدانند.

فصل اول:

فلسفه حکمرانی شهری

چرا تهران، ری و تجریش به یک الگوی جدید اداره شهر نیاز دارند؟

تهران، ری و تجریش در طول دهه‌های گذشته رشد چشمگیری را تجربه کرده‌اند. توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل، گسترش زیرساخت‌های شهری، افزایش خدمات عمومی و اجرای پروژه‌های عمرانی بزرگ، چهره شهر را نسبت به گذشته دگرگون کرده است. با این حال، همزمان با این پیشرفت‌ها، مسائل و چالش‌های جدیدی نیز شکل گرفته‌اند که نشان می‌دهد توسعه کالبدی به تنهایی برای ساختن یک شهر مطلوب کافی نیست.

امروز بسیاری از شهروندان با مشکلاتی مواجه هستند که صرفاً با ساخت یک بزرگراه جدید، احداث یک ساختمان جدید یا اجرای یک پروژه عمرانی حل نمی‌شود. احساس فاصله میان مردم و مدیران شهری، دشواری پیگیری مطالبات محلی، نابرابری در توزیع امکانات، کاهش حس تعلق به محله، آلودگی‌های محیطی، گسترش سوداگری در زمین و مسکن، و فشار روزافزون بر زیرساخت‌های شهری، بخشی از واقعیت زندگی روزمره شهروندان است.

تجربه شهرهای موفق جهان نشان می‌دهد که کیفیت زندگی شهری بیش از آنکه به حجم ساخت‌وساز وابسته باشد، به کیفیت حکمرانی وابسته است. حکمرانی شهری به این پرسش پاسخ می‌دهد که تصمیمات چگونه اتخاذ می‌شوند، منابع چگونه تخصیص پیدا می‌کنند، مردم چگونه در فرآیند اداره شهر مشارکت می‌کنند و مدیران چگونه در برابر عملکرد خود پاسخگو هستند.

مسئله اصلی امروز تهران، ری و تجریش کمبود ظرفیت نیست؛ بلکه پراکندگی ظرفیت‌ها، ضعف هماهنگی میان بازیگران مختلف و محدود بودن نقش شهروندان در فرآیند تصمیم‌سازی است. شهر از سرمایه انسانی عظیم، شبکه گسترده نخبگان، دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، گروه‌های مردمی و جهادی، فعالان اجتماعی و کارآفرینان برخوردار است، اما هنوز سازوکار مؤثری برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در مقیاس حکمرانی شهری شکل نگرفته است.

از سوی دیگر، بخش مهمی از ساختارهای مدیریتی کشور بر اساس تمرکزگرایی شکل گرفته‌اند. این رویکرد اگرچه در برخی حوزه‌ها مزایایی داشته است، اما در مدیریت مسائل محلی اغلب موجب کندی تصمیم‌گیری و فاصله گرفتن مدیران از واقعیت‌های روزمره محلات شده است. در چنین شرایطی، شهروندان احساس می‌کنند درباره محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نقش محدودی در تصمیم‌گیری دارند.

منشور حکمرانی شهری بر این باور استوار است که آینده شهر باید از پایین به بالا ساخته شود؛ یعنی از محله‌ها آغاز شود و سپس در سطح شهر تجلی پیدا کند. محله صرفاً یک تقسیم‌بندی جغرافیایی نیست؛ محله مهم‌ترین واحد اجتماعی شهر است. جایی که مردم یکدیگر را می‌شناسند، مسائل مشترک دارند و آثار تصمیمات شهری را به طور مستقیم تجربه می‌کنند.

بر همین اساس، این منشور مشارکت مردمی را نه یک اقدام تشریفاتی، بلکه یکی از ارکان اصلی اداره شهر می‌داند. مشارکت واقعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم بتوانند در شناسایی مسائل، ارائه راه‌حل‌ها، اولویت‌بندی پروژه‌ها و نظارت بر عملکرد مدیران نقش داشته باشند. هر اندازه این مشارکت گسترده‌تر و مؤثرتر باشد، کیفیت تصمیمات شهری نیز افزایش خواهد یافت.

اصل دوم این منشور، شفافیت است. هیچ حکمرانی موفق بدون شفافیت پایدار نخواهد بود. شهروندان حق دارند بدانند منابع شهر چگونه تأمین می‌شود، بودجه چگونه هزینه می‌شود، پروژه‌ها بر چه اساسی انتخاب می‌شوند و نتایج تصمیمات چه تأثیری بر زندگی آنان

خواهد داشت. شفافیت علاوه بر افزایش اعتماد عمومی، مهم‌ترین ابزار مقابله با فساد، اتلاف منابع و تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی است.

اصل سوم، عدالت شهری است. عدالت تنها به معنای توزیع برابر امکانات نیست، بلکه به معنای توزیع منصفانه فرصت‌ها، خدمات و سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با نیازهای مناطق مختلف شهر است. شهری عادلانه است که در آن محل سکونت افراد تعیین‌کننده میزان برخورداری آنان از خدمات عمومی نباشد و همه شهروندان بتوانند از حداقل استانداردهای زندگی شهری بهره‌مند شوند.

اصل چهارم، کارآمدی و پاسخگویی است. شهروندان حق دارند از مدیران شهری نتیجه بخواهند. شورا، شهرداری و مجموعه مدیریت شهری باید بتوانند عملکرد خود را با شاخص‌های روشن ارزیابی کنند و در برابر مردم پاسخگو باشند. مدیریت شهری زمانی موفق است که بتواند مسائل را سریع‌تر، دقیق‌تر و با هزینه کمتر حل کند و همزمان اعتماد عمومی را نیز افزایش دهد.

بر اساس این چهار اصل؛ مشارکت، شفافیت، عدالت و کارآمدی، منشور حکمرانی شهری تلاش می‌کند الگویی نوین برای اداره تهران، ری و تجربیش ارائه دهد. الگویی که در آن شهر نه یک ساختار صرفاً اداری، بلکه یک جامعه زنده و پویا تلقی می‌شود؛ جامعه‌ای که مردم در آن شریک اداره شهر هستند و مدیریت شهری خود را خدمتگزار و پاسخگوی آنان می‌داند.

فصول بعدی این منشور، راهبردهای عملی تحقق این چشم‌انداز را در قالب سیزده محور اصلی حکمرانی شهری تشریح می‌کنند.

فصل دوم:

نظام تصمیم‌گیری و مدیریت مشارکتی شهر

از مدیریت متمرکز به حکمرانی محله محور

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت شهری در تهران، ری و تجریش، فاصله میان محل تصمیم‌گیری و محل وقوع مسائل است. بسیاری از تصمیماتی که بر زندگی روزمره شهروندان تأثیر می‌گذارند، در سطوحی اتخاذ می‌شوند که ارتباط مستقیمی با واقعیت‌های محلات ندارند. در نتیجه، گاهی اولویت‌های واقعی مردم در فرآیند برنامه‌ریزی و تخصیص منابع به درستی دیده نمی‌شود و ظرفیت‌های محلی نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

شهر مجموعه‌ای از محلات گوناگون با ویژگی‌ها، نیازها و ظرفیت‌های متفاوت است. مسائل یک محله در جنوب شهر الزاماً مشابه مسائل یک محله در شمال شهر نیست. حتی در یک منطقه شهری نیز تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی می‌تواند باعث شکل‌گیری نیازهای متفاوت شود. به همین دلیل، اداره مؤثر شهر مستلزم آن است که محله به عنوان مهم‌ترین واحد حکمرانی شهری مورد توجه قرار گیرد.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که اداره موفق شهر بدون مشارکت سازمان‌یافته شهروندان امکان‌پذیر نیست. مردم نه تنها بهره‌برداران خدمات شهری، بلکه مهم‌ترین منبع شناخت مسائل و ارائه راه‌حل‌ها هستند. هیچ مدیری، هیچ شورا و هیچ سازمانی به اندازه ساکنان یک محله با مشکلات، ظرفیت‌ها و اولویت‌های آن محله آشنا نیست.

راهبرد نخست این منشور در حوزه مدیریت شهری، استقرار الگوی «حکمرانی محلی و مردم‌پایه» است. منظور از حکمرانی محلی، انتقال بخشی از فرآیند شناخت مسائل، اولویت‌گذاری نیازها و ارزیابی عملکرد به سطح محلات است. این رویکرد به معنای ایجاد ساختارهای موازی یا افزایش بوروکراسی نیست؛ بلکه به معنای ایجاد سازوکارهایی است که صدای مردم را به صورت مستمر و سازمان‌یافته به فرآیند تصمیم‌گیری شهری متصل کند.

در این چارچوب، شورا باید از ظرفیت انجمن‌های محلی، گروه‌های مردمی و جهادی، هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های فرهنگی، سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان اجتماعی، نخبگان محلی و معتمدان محلات برای شناخت مسائل و تدوین راه‌حل‌ها استفاده کند. مشارکت مردمی زمانی ارزشمند است که از سطح مشورت‌های نمادین فراتر رفته و به بخشی از فرآیند تصمیم‌سازی تبدیل شود.

یکی از پیامدهای مهم حکمرانی محله‌محور، افزایش حس تعلق شهروندان به محل زندگی خود است. هنگامی که مردم احساس کنند در شکل‌گیری تصمیمات نقش دارند، از پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمومی نیز بیشتر حمایت می‌کنند. تجربه‌های موفق جهانی نشان داده است که مشارکت مردم نه تنها کیفیت تصمیمات را افزایش می‌دهد، بلکه هزینه نگهداری و حفاظت از زیرساخت‌های شهری را نیز کاهش می‌دهد.

راهبرد دوم این منشور، «حضور میدانی و پاسخگویی» است. مدیریت شهری نباید صرفاً در ساختمان‌های اداری و جلسات رسمی محدود شود. مدیران و نمایندگان مردم باید به صورت مستمر در سطح شهر و محلات حضور داشته باشند، مسائل را از نزدیک مشاهده کنند و روند پیگیری مطالبات را برای شهروندان توضیح دهند.

یکی از عوامل کاهش اعتماد عمومی، احساس بی‌اطلاعی مردم از فرآیندهای تصمیم‌گیری و نتایج اقدامات مدیران است. شهروندان حق دارند بدانند درخواست‌های آنان در چه مرحله‌ای قرار دارد، چه موانعی بر سر راه اجرای پروژه‌ها وجود دارد و چه برنامه‌ای برای رفع مشکلات پیش‌بینی شده است. پاسخگویی صرفاً ارائه گزارش عملکرد نیست؛ بلکه گفت‌وگوی مستمر و صادقانه با مردم است.

در این چارچوب، شورای شهر باید به نهادهای تبدیلی شود که علاوه بر تصویب و نظارت، به صورت فعال وضعیت محلات را رصد کند و مطالبات مردمی را به برنامه‌های اجرایی تبدیل نماید. انتشار گزارش‌های دوره‌ای، ارائه اطلاعات قابل فهم برای عموم، برگزاری نشست‌های محلی و ایجاد مسیرهای آسان برای ارتباط شهروندان با نمایندگان شورا، از جمله ابزارهای تحقق این هدف هستند.

منشور حکمرانی شهری همچنین بر استفاده از فناوری برای گسترش مشارکت عمومی تأکید دارد. امروزه ابزارهای دیجیتال این امکان را فراهم کرده‌اند که شهروندان بدون نیاز به مراجعه حضوری، مسائل محله خود را ثبت کنند، درباره اولویت‌های شهری اظهار نظر نمایند و روند اجرای پروژه‌ها را دنبال کنند. استفاده هوشمندانه از این ظرفیت‌ها می‌تواند مشارکت را از گروه‌های محدود به طیف گسترده‌تری از شهروندان گسترش دهد.

هدف نهایی این محور، ایجاد شهری است که در آن مردم تنها مخاطب تصمیمات نباشند، بلکه در شکل‌گیری آن‌ها نیز نقش داشته باشند. شهری که در آن مدیران خود را در برابر مردم پاسخگو بدانند و شهروندان نیز خود را شریک توسعه و پیشرفت شهر تلقی کنند.

تهران، ری و تجریش برای عبور از چالش‌های پیچیده امروز، بیش از هر چیز به سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت سازمان‌یافته شهروندان نیاز دارند. حکمرانی محله‌محور و پاسخگو، نخستین گام در مسیر تحقق این هدف است و زیربنای بسیاری از اصلاحات و برنامه‌هایی خواهد بود که در فصول بعدی این منشور تشریح می‌شوند.

فصل سوم:

فناوری، دانش و حکمرانی هوشمند شهری

از مدیریت سنتی به شهر داده‌محور

شهرهای بزرگ قرن بیست و یکم با روش‌های سنتی اداره نمی‌شوند. پیچیدگی روزافزون مسائل شهری، افزایش جمعیت، محدودیت منابع، تنوع نیازهای شهروندان و سرعت تحولات اجتماعی و اقتصادی، مدیریت شهری را ناگزیر کرده است که از ابزارهای نوین دانش و فناوری بهره بگیرد. در چنین شرایطی، حکمرانی شهری دیگر صرفاً بر تجربه و مشاهدات فردی متکی نیست، بلکه بر داده، دانش، تحلیل و مشارکت گسترده ذی‌نفعان استوار است.

تهران، ری و تجریش نیز از این قاعده مستثنی نیستند. مدیریت شهری روزانه با حجم عظیمی از اطلاعات، درخواست‌ها، پروژه‌ها، خدمات و تصمیمات مواجه است. در غیاب یک نظام هوشمند جمع‌آوری، تحلیل و بهره‌برداری از داده‌ها، بخش مهمی از ظرفیت‌های شهر هدر می‌رود و تصمیم‌گیری‌ها با هزینه بیشتر و دقت کمتر انجام می‌شود.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که فناوری صرفاً یک ابزار فنی نیست؛ بلکه یک ابزار حکمرانی است. فناوری زمانی ارزشمند است که بتواند شفافیت را افزایش دهد، مشارکت مردم را تسهیل کند، کیفیت تصمیم‌گیری را ارتقا دهد و امکان نظارت مؤثر بر عملکرد مدیریت شهری را فراهم سازد.

نخستین راهبرد این منشور در حوزه فناوری، توسعه «پلتفرم‌های منبع‌باز و مشارکتی» است. شهر متعلق به همه شهروندان است و دانش مرتبط با اداره آن نیز باید تا حد امکان در خدمت عموم قرار گیرد. امروزه بسیاری از شهرهای پیشرو جهان از ظرفیت پلتفرم‌های باز برای حل مسائل شهری استفاده می‌کنند. در این مدل، شهروندان، دانشگاهیان، متخصصان، برنامه‌نویسان، فعالان اجتماعی و گروه‌های مردمی و جهادی می‌توانند در تولید راه‌حل، تحلیل داده‌ها و ارائه پیشنهادهای اجرایی مشارکت کنند.

منبع‌باز بودن به معنای شفافیت بیشتر، کاهش وابستگی به انحصارهای فنی و افزایش ظرفیت نوآوری است. هر اندازه اطلاعات و داده‌های غیرمحرمانه شهری بیشتر در دسترس عموم قرار گیرد، امکان تولید راه‌حل‌های خلاقانه و مشارکت عمومی نیز افزایش خواهد یافت. این رویکرد می‌تواند زمینه شکل‌گیری یک اکوسیستم شهری پویا را فراهم کند که در آن دانش به جای انحصار، در خدمت منافع عمومی قرار گیرد.

راهبرد دوم، بهره‌گیری از «پلتفرم‌های خصوصی و دانش‌بنیان» برای حل مسائل شهری است. مدیریت شهری نباید خود را تنها مجری مستقیم همه خدمات بداند. یکی از مهم‌ترین وظایف شورا و شهرداری، ایجاد بستر مناسب برای مشارکت بخش خصوصی، شرکت‌های دانش‌بنیان، استارت‌آپ‌ها و مراکز نوآوری در حل مسائل شهر است.

تهران از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های علمی و فناورانه کشور برخوردار است. صدها شرکت دانش‌بنیان، هزاران متخصص و ده‌ها مرکز دانشگاهی در این شهر فعالیت می‌کنند. با این حال، ارتباط میان این ظرفیت‌ها و مسائل واقعی شهر هنوز به سطح مطلوب نرسیده است. بسیاری از مشکلاتی که امروز مدیریت شهری با آن مواجه است، می‌تواند از طریق راه‌حل‌های فناورانه با هزینه کمتر و کارایی بیشتر مدیریت شود.

در این چارچوب، شورا باید از سیاست‌گذاری‌هایی حمایت کند که زمینه ورود نوآوران و شرکت‌های دانش‌بنیان به حوزه‌هایی مانند حمل‌ونقل شهری، مدیریت انرژی، مدیریت پسماند، خدمات شهروندی، ایمنی شهری، محیط زیست، گردشگری شهری و مدیریت

بحران را فراهم سازد. این رویکرد علاوه بر ارتقای کیفیت خدمات، به ایجاد اشتغال، رشد اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش درآمدهای پایدار شهری نیز کمک خواهد کرد.

سومین راهبرد این منشور، «فناوری برای نظارت» است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت شهری در کلان‌شهرها، محدودیت توان نظارتی در برابر گستردگی شهر است. تهران، ری و تجریش دارای هزاران کیلومتر معبر، صدها پروژه عمرانی، میلیون‌ها سفر روزانه و مجموعه گسترده‌ای از خدمات شهری هستند. نظارت سنتی بر چنین مجموعه‌ای نه عملی است و نه اقتصادی.

فناوری این امکان را فراهم می‌کند که بخش مهمی از فرآیندهای نظارتی به صورت هوشمند انجام شود. استفاده از سامانه‌های داده‌محور، حسگرهای شهری، تصاویر ماهواره‌ای، دوربین‌های هوشمند، سامانه‌های گزارش مردمی و تحلیل داده‌های لحظه‌ای می‌تواند سطح اشراف مدیریت شهری بر وضعیت شهر را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

البته هدف از این نظارت، افزایش کنترل اداری یا محدود کردن آزادی‌های شهروندان نیست. هدف اصلی، پیشگیری از بحران‌ها، افزایش کارآمدی خدمات، کاهش هزینه‌ها و ارتقای پاسخگویی است. هرچه اطلاعات دقیق‌تر و به‌روزتر باشد، تصمیمات نیز سریع‌تر و مؤثرتر اتخاذ خواهند شد.

منشور حکمرانی شهری همچنین بر ضرورت شکل‌گیری «شهر داده‌محور» تأکید دارد. شهر داده‌محور شهری است که تصمیمات آن بر پایه شواهد، آمار و تحلیل‌های واقعی اتخاذ می‌شود، نه صرفاً بر اساس برداشت‌های شخصی یا فشارهای مقطعی. در چنین شهری، تخصیص منابع، انتخاب پروژه‌ها، اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها و ارزیابی عملکرد مدیران بر مبنای شاخص‌های روشن و قابل اندازه‌گیری انجام می‌شود.

این رویکرد همچنین می‌تواند زمینه‌ساز شفافیت بیشتر در عملکرد مدیریت شهری باشد. شهروندان حق دارند به اطلاعات مربوط به بودجه، پروژه‌ها، خدمات و عملکرد دستگاه‌های شهری دسترسی داشته باشند. انتشار داده‌های عمومی و قابل فهم، اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و امکان نظارت مردمی را تقویت می‌کند.

چشم‌انداز این منشور، تبدیل تهران، ری و تجریش به الگویی از حکمرانی هوشمند شهری است؛ الگویی که در آن دانش، فناوری و مشارکت عمومی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا شهر را کارآمدتر، شفاف‌تر، پاسخگوتر و آماده‌تر برای مواجهه با چالش‌های آینده سازند.

در این نگاه، فناوری جایگزین مردم نیست؛ بلکه ابزاری برای توانمندسازی مردم است. دانش جایگزین مدیریت نیست؛ بلکه کیفیت مدیریت را ارتقا می‌دهد. و شهر هوشمند نه شهری پر از تجهیزات دیجیتال، بلکه شهری است که تصمیمات آن هوشمندانه‌تر، عادلانه‌تر و نزدیک‌تر به نیازهای واقعی شهروندان اتخاذ می‌شود.

فصل چهارم:

تأمین مالی، درآمد، عوارض و مالیات شهری

از درآمدهای ناپایدار به اقتصاد پایدار شهری

هیچ شهری بدون منابع مالی پایدار، قابل پیش‌بینی و عادلانه نمی‌تواند مسیر توسعه بلندمدت خود را طی کند. کیفیت خدمات شهری، نگهداری زیرساخت‌ها، توسعه فضاهای عمومی، گسترش حمل‌ونقل، حفظ محیط زیست و اجرای پروژه‌های عمرانی همگی نیازمند منابع مالی هستند. پرسش اساسی این است که این منابع چگونه تأمین شوند و چه رابطه‌ای میان شیوه تأمین مالی شهر و کیفیت زندگی شهروندان وجود دارد.

در دهه‌های گذشته، یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت شهری در ایران، وابستگی بیش از حد به درآمدهای ناپایدار بوده است. هرگاه درآمدهای شهرداری به رونق یا رکود بازار ساخت‌وساز وابسته شود، مدیریت شهر نیز در معرض نوسانات اقتصادی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، برنامه‌ریزی بلندمدت دشوار می‌شود و گاه منافع کوتاه‌مدت جایگزین مصالح بلندمدت شهر می‌گردد.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که نخستین شرط اداره موفق شهر، ایجاد یک نظام مالی پایدار، شفاف و قابل پیش‌بینی است. شهر باید بتواند بدون آسیب زدن به آینده خود، هزینه‌های جاری و توسعه‌ای خود را تأمین کند. توسعه شهری نباید به بهای افزایش بی‌ضابطه تراکم، تخریب ظرفیت‌های محیطی یا برهم خوردن تعادل کالبدی شهر انجام شود.

بر همین اساس، نخستین راهبرد این منشور «عوارض پایدار» است. منظور از عوارض پایدار، منابعی است که قابلیت پیش‌بینی داشته باشند، وابستگی آن‌ها به شرایط مقطعی اقتصادی محدود باشد و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای مدیریت شهری فراهم کنند.

در یک نظام مالی سالم، شهروندان در قبال خدماتی که دریافت می‌کنند سهم مشخص و شفافی پرداخت می‌کنند و در مقابل، حق دارند بدانند این منابع چگونه هزینه می‌شوند. شفافیت در درآمدها و هزینه‌ها یکی از مهم‌ترین الزامات مشروعیت مالی مدیریت شهری است. هر شهروند باید بتواند مشاهده کند که منابع حاصل از عوارض در چه پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری شده و چه تأثیری بر کیفیت زندگی او داشته است.

عوارض پایدار علاوه بر تأمین منابع مالی، امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر را نیز فراهم می‌کند. زمانی که درآمدهای شهر قابل پیش‌بینی باشد، شورا و شهرداری می‌توانند پروژه‌های عمرانی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را با نگاه بلندمدت طراحی و اجرا کنند. این موضوع به ویژه در کلان‌شهری مانند تهران که نیازمند برنامه‌ریزی‌های چندساله است، اهمیت دوچندان دارد.

دومین راهبرد این منشور، استفاده از «مالیات‌های تنظیم‌گر» است. هدف از مالیات‌های تنظیم‌گر صرفاً کسب درآمد نیست؛ بلکه اصلاح رفتارهای اقتصادی و حمایت از منافع عمومی است. در بسیاری از کشورهای جهان، نظام مالیاتی شهری علاوه بر تأمین مالی، ابزاری برای مقابله با سوداگری، احتکار زمین، استفاده غیربهبینه از منابع و ایجاد نابرابری‌های اقتصادی محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این رویکرد، مالیات بر ارزش زمین یا LVT است. منطق این سیاست آن است که افزایش ارزش زمین در شهرها عمدتاً ناشی از سرمایه‌گذاری عمومی، توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی شهر است، نه صرفاً فعالیت مالک زمین. بنابراین بخشی از این ارزش افزوده باید به جامعه بازگردد و در خدمت توسعه عمومی قرار گیرد.

مالیات‌های تنظیم‌گر می‌توانند نقش مهمی در کاهش انگیزه‌های سوداگرانه در بازار زمین و املاک ایفا کنند. هنگامی که نگهداری زمین یا املاک بدون بهره‌برداری مؤثر، هزینه اقتصادی داشته باشد، انگیزه احتکار کاهش می‌یابد و منابع شهری به سمت فعالیت‌های

مولد هدایت می‌شوند. این موضوع علاوه بر کمک به تأمین مالی شهر، می‌تواند به بهبود عدالت اقتصادی و کاهش فشار بر بازار مسکن نیز کمک کند.

البته اجرای چنین سیاست‌هایی نیازمند بررسی‌های کارشناسی، هماهنگی با قوانین ملی و توجه به آثار اجتماعی و اقتصادی آن‌هاست. شورای شهر به تنهایی مرجع وضع مالیات‌های ملی نیست، اما می‌تواند از ظرفیت‌های قانونی خود برای مطالبه اصلاحات، ارائه پیشنهادها و حمایت از سیاست‌های تنظیم‌گر استفاده کند. وظیفه شورا در این زمینه، دفاع از منافع عمومی و حرکت به سمت نظام مالی عادلانه‌تر است.

یکی دیگر از اصول مهم این منشور، کاهش وابستگی بودجه شهر به درآمدهای غیرقابل پیش‌بینی است. شهری که بودجه آن بر پایه درآمدهای ناپایدار تنظیم شود، در برابر بحران‌های اقتصادی آسیب‌پذیر خواهد بود. در مقابل، شهری که منابع درآمدی متنوع، پایدار و شفاف داشته باشد، توان بیشتری برای عبور از شرایط دشوار خواهد داشت.

در این چارچوب، توسعه اقتصاد شهری نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. هرچه فعالیت‌های اقتصادی مولد، کسب‌وکارهای محلی، شرکت‌های دانش‌بنیان، گردشگری شهری و خدمات نوآورانه گسترش یابند، ظرفیت درآمدی شهر نیز افزایش خواهد یافت. به همین دلیل، سیاست‌های مالی شهری باید در هماهنگی با سیاست‌های توسعه اقتصادی طراحی شوند.

منشور حکمرانی شهری همچنین بر اصل عدالت مالی تأکید دارد. عدالت مالی به این معناست که بار تأمین مالی شهر به شکل متوازن و منصفانه توزیع شود. سیاست‌های درآمدی نباید فشار نامتناسبی بر اقشار کم‌درآمد وارد کنند و در مقابل، باید از ابزارهای مناسب برای جلوگیری از بهره‌برداری‌های غیرمولد و سوداگرانه استفاده شود.

در نهایت، هدف این منشور ایجاد الگویی است که در آن اقتصاد شهر در خدمت توسعه پایدار، رفاه عمومی و عدالت اجتماعی قرار گیرد. شهری موفق است که بتواند منابع مالی خود را به شکلی شفاف، پایدار و مسئولانه مدیریت کند؛ نه شهری که برای تأمین هزینه‌های امروز، آینده خود را به فروش برساند.

تهران، ری و تجریش برای مواجهه با چالش‌های دهه‌های آینده به یک نظام مالی نوین نیاز دارند؛ نظامی که بر پلایه درآمدهای پایدار، شفافیت مالی، عدالت اقتصادی و مقابله با سوداگری بنا شده باشد. چنین نظامی می‌تواند زیربنای توسعه‌ای باشد که هم از نظر اقتصادی پایدار است و هم از نظر اجتماعی قابل دفاع.

فصل پنجم:

زمین، شهرسازی و الگوی توسعه شهری

توسعه منظم، عادلانه و خدمت‌محور

زمین مهم‌ترین دارایی شهری و یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در شکل‌گیری آینده هر شهر است. نحوه استفاده از زمین، الگوی ساخت‌وساز، توزیع جمعیت، استقرار خدمات عمومی، شبکه حمل‌ونقل و حتی کیفیت زندگی شهروندان، همگی به سیاست‌های شهرسازی و مدیریت زمین وابسته هستند. به همین دلیل، تصمیمات مرتبط با زمین و توسعه شهری از مهم‌ترین و حساس‌ترین وظایف مدیریت شهری و شورای شهر محسوب می‌شوند.

تهران، ری و تجریش در طول دهه‌های گذشته رشد گسترده‌ای را تجربه کرده‌اند. این رشد اگرچه موجب توسعه بسیاری از مناطق شده است، اما در برخی موارد با چالش‌هایی همچون تراکم نامتوازن، فشار بر زیرساخت‌ها، افزایش ترافیک، کمبود سرانه‌های خدماتی، کاهش کیفیت محیط شهری و تشدید نابرابری فضایی نیز همراه بوده است. بخشی از این مشکلات ناشی از آن است که توسعه کالبدی شهر همواره با ظرفیت‌های واقعی خدماتی، زیست‌محیطی و حمل‌ونقلی هماهنگ نبوده است.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که آینده تهران، ری و تجریش باید بر پایه توسعه منظم، برنامه‌محور و مبتنی بر منافع عمومی شکل بگیرد. شهرسازی نباید به ابزاری برای کسب درآمد کوتاه‌مدت تبدیل شود، بلکه باید چارچوبی برای حفظ کیفیت زندگی نسل حاضر و نسل‌های آینده باشد.

نخستین راهبرد این منشور در حوزه شهرسازی، «صیانت از طرح تفصیلی» است. طرح تفصیلی در واقع نقشه راه توسعه کالبدی شهر محسوب می‌شود. این طرح مشخص می‌کند که هر بخش از شهر چه کاربری‌هایی داشته باشد، چه میزان ساخت‌وساز در آن مجاز باشد، خدمات عمومی چگونه توزیع شوند و توسعه شهری در چه جهتی حرکت کند.

هرچند هیچ طرحی نباید غیرقابل اصلاح تلقی شود، اما تغییرات مکرر، موردی و غیرکارشناسی در ضوابط شهرسازی می‌تواند نظم کالبدی شهر را برهم بزند و هزینه‌های سنگینی بر شهروندان تحمیل کند. زمانی که توسعه شهری از برنامه‌های مصوب فاصله بگیرد، پیامدهایی مانند افزایش تراکم نامتناسب، تشدید ترافیک، فشار بر شبکه آب و برق، کمبود فضای سبز و کاهش کیفیت زندگی به تدریج ظاهر می‌شوند.

صیانت از طرح تفصیلی به معنای دفاع از انضباط شهری، پیش‌بینی‌پذیری مقررات و حفاظت از حقوق عمومی شهروندان است. مردم باید بتوانند به ضوابط شهرسازی اعتماد کنند و اطمینان داشته باشند که آینده محله آن‌ها بر اساس برنامه‌های روشن و نه تصمیمات مقطعی تعیین می‌شود.

البته صیانت از طرح تفصیلی به معنای مقاومت در برابر اصلاحات ضروری نیست. شهر موجودی زنده و پویاست و ممکن است در برخی موارد نیاز به بازنگری در ضوابط و برنامه‌ها وجود داشته باشد. اما این اصلاحات باید مبتنی بر مطالعات کارشناسی، نیازهای واقعی شهر و منافع بلندمدت عمومی باشد، نه صرفاً ملاحظات کوتاه‌مدت مالی یا سیاسی.

دومین راهبرد این منشور، «توسعه خدمت‌محور و جهادی» است. توسعه شهری نباید صرفاً به ساخت ساختمان‌ها و افزایش حجم پروژه‌های عمرانی محدود شود. هدف اصلی توسعه، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و رفع نیازهای واقعی آنان است. از این منظر، هر

پروژه شهری باید پیش از هر چیز به این پرسش پاسخ دهد که چه مسئله‌ای از شهروندان را حل می‌کند و چه خدمتی به زندگی روزمره مردم ارائه می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین مصادیق این رویکرد، توجه ویژه به بافت‌های فرسوده و محلات کمتر برخوردار است. بخش‌هایی از تهران، ری و تجریش همچنان با مشکلاتی مانند فرسودگی کالبدی، کمبود خدمات عمومی، ضعف زیرساخت‌ها و آسیب‌پذیری در برابر حوادث طبیعی مواجه هستند. رسیدگی به این مناطق نه تنها یک ضرورت عمرانی، بلکه یک وظیفه اجتماعی و انسانی است.

توسعه خدمت‌محور به این معناست که اولویت سرمایه‌گذاری‌های شهری بر حل مشکلات واقعی مردم قرار گیرد. ایجاد دسترسی مناسب به حمل‌ونقل عمومی، توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی، افزایش سرانه‌های ورزشی، بهبود شبکه خدمات محله‌ای، ایمن‌سازی معابر و ارتقای کیفیت محیط زندگی، باید در کانون توجه برنامه‌های توسعه شهری قرار داشته باشد.

این منشور همچنین بر ضرورت تعادل میان توسعه و ظرفیت‌های محیطی شهر تأکید دارد. تهران با محدودیت‌های جدی در حوزه منابع آب، کیفیت هوا، ظرفیت حمل‌ونقل و زیرساخت‌های زیست‌محیطی مواجه است. هرگونه برنامه توسعه باید این محدودیت‌ها را به رسمیت بشناسد و از تصمیماتی که فشار مضاعفی بر محیط شهری وارد می‌کنند پرهیز نماید.

از سوی دیگر، توسعه شهری باید با نگاه منطقه‌ای و عدالت فضایی همراه باشد. همه مناطق شهر باید از فرصت‌های توسعه برخوردار باشند و سرمایه‌گذاری‌های عمومی نباید صرفاً در بخش‌های خاصی از شهر متمرکز شوند. توزیع متوازن امکانات و خدمات، یکی از مهم‌ترین ابزارهای کاهش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی در شهر است.

شورای شهر در این زمینه وظیفه‌ای دوگانه دارد. از یک سو باید بر اجرای صحیح ضوابط و برنامه‌های مصوب نظارت کند و از سوی دیگر، در برابر نیازهای جدید شهر انعطاف کارشناسی داشته باشد. ترکیب انضباط شهری و نوآوری برنامه‌ریزی، شرط موفقیت مدیریت شهری در دهه‌های آینده خواهد بود.

چشم‌انداز این منشور، شهری است که توسعه آن بر پایه برنامه، عدالت و خدمت‌رسانی شکل می‌گیرد؛ شهری که در آن زمین به عنوان یک سرمایه عمومی مورد صیانت قرار می‌گیرد، توسعه کالبدی با ظرفیت‌های واقعی شهر هماهنگ است و منافع بلندمدت شهروندان بر منافع کوتاه‌مدت ترجیح داده می‌شود.

تهران، ری و تجریش برای حفظ پویایی و رقابت‌پذیری خود نیازمند توسعه هستند، اما این توسعه باید منظم، مسئولانه و مبتنی بر نیازهای واقعی مردم باشد. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان میان رشد شهری، کیفیت زندگی و پایداری بلندمدت تعادل برقرار کرد.

فصل ششم:

پروژه‌های شهری و توسعه محله محور

تعالل میان نیازهای روزمره مردم و آینده شهر

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که همواره در مدیریت شهری مطرح بوده این است که منابع محدود شهر باید چگونه هزینه شوند؟ آیا اولویت باید با پروژه‌های بزرگ و نمادین باشد یا با حل مسائل روزمره محلات؟ آیا باید منابع شهر صرف پروژه‌های عمرانی عظیم شود یا برای بهبود کیفیت زندگی در مقیاس محله هزینه گردد؟ چگونه می‌توان میان توسعه بلندمدت شهر و نیازهای فوری شهروندان تعادل برقرار کرد؟

پاسخ منشور حکمرانی شهری به این پرسش، انتخاب یک گزینه و حذف گزینه دیگر نیست. تجربه مدیریت شهری در بسیاری از شهرهای جهان نشان می‌دهد که موفق‌ترین شهرها آن‌هایی هستند که میان پروژه‌های کوچک، متوسط و بزرگ تعادل برقرار کرده‌اند. شهر به همان اندازه که به پروژه‌های راهبردی و آینده‌ساز نیاز دارد، به رسیدگی مستمر به مسائل روزمره مردم نیز وابسته است.

یکی از آسیب‌های رایج در مدیریت شهری آن است که گاهی همه توجهات به پروژه‌های بزرگ معطوف می‌شود و مسائل محلات به حاشیه می‌رود. در مقابل، گاهی نیز تمرکز صرف بر اقدامات خرد باعث می‌شود شهر از سرمایه‌گذاری‌های راهبردی و آینده‌ساز محروم بماند. منشور حکمرانی شهری تلاش می‌کند میان این دو رویکرد تعادل ایجاد کند.

نخستین راهبرد این فصل، «توسعه متوازن طبق برنامه» است. توسعه متوازن به این معناست که توزیع منابع، خدمات و پروژه‌های شهری بر اساس برنامه‌های کارشناسی، شاخص‌های عدالت فضایی و نیازهای واقعی مناطق انجام شود. هیچ منطقه‌ای نباید صرفاً به دلیل موقعیت جغرافیایی یا برخورداری بیشتر از نفوذ سیاسی، سهم بیشتری از امکانات عمومی دریافت کند و هیچ منطقه‌ای نیز نباید در حاشیه توسعه باقی بماند.

توسعه متوازن نیازمند نظامی شفاف برای اولویت‌بندی پروژه‌هاست. تصمیم‌گیری درباره محل اجرای پروژه‌ها باید بر پایه داده‌های واقعی، میزان محرومیت مناطق، جمعیت بهره‌بردار، نیازهای خدماتی و آثار بلندمدت سرمایه‌گذاری‌ها انجام شود. شورای شهر باید بر این فرآیند نظارت کند تا توزیع منابع شهری از عدالت و کارآمدی لازم برخوردار باشد.

دومین راهبرد این منشور، حمایت از «پروژه‌های خرد محله‌محور» است. بسیاری از مشکلاتی که مستقیماً بر کیفیت زندگی مردم اثر می‌گذراند، در مقیاس محله تعریف می‌شوند. اصلاح یک فضای عمومی، ساماندهی یک پارک محلی، ایمن‌سازی یک تقاطع خطرناک، تجهیز یک فرهنگسرا، بهسازی یک پیاده‌راه یا ایجاد یک فضای ورزشی کوچک ممکن است از نظر مالی پروژه‌های بزرگ محسوب نشود، اما تأثیر آن بر زندگی روزمره شهروندان بسیار قابل توجه است.

یکی از ویژگی‌های مهم پروژه‌های خرد، امکان مشارکت بیشتر مردم در طراحی، اجرا و نظارت بر آن‌هاست. این پروژه‌ها معمولاً سریع‌تر اجرا می‌شوند، آثار آن‌ها ملموس‌تر است و می‌توانند اعتماد عمومی به مدیریت شهری را افزایش دهند. علاوه بر این، هنگامی که شهروندان خود را در شکل‌گیری یک پروژه سهیم بدانند، نسبت به نگهداری از آن نیز احساس مسئولیت بیشتری خواهند داشت.

این منشور معتقد است که هر محله باید سهم مشخصی از سرمایه‌گذاری‌های شهری داشته باشد و نظام بودجه‌ریزی باید به گونه‌ای طراحی شود که مسائل محلی نیز در کنار پروژه‌های کلان دیده شوند. شهر موفق، شهری است که شهروندان آثار توسعه را در زندگی روزمره خود احساس کنند.

در کنار پروژه‌های محله‌محور، شهر به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ نیز نیاز دارد. از همین رو، سومین راهبرد این فصل «ابری پروژه‌های سودآور» است. ابری پروژه‌ها به پروژه‌هایی گفته می‌شود که علاوه بر نقش زیرساختی یا خدماتی، می‌توانند برای شهر ارزش اقتصادی ایجاد کنند و بخشی از هزینه‌های خود را بازگردانند.

در شرایطی که منابع عمومی محدود است، انتخاب پروژه‌هایی که بتوانند در بلندمدت درآمدزایی داشته باشند اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. پروژه‌های مرتبط با گردشگری شهری، مراکز خدماتی نوین، فضاهای اقتصادی شهری، زیرساخت‌های هوشمند و برخی پروژه‌های حمل‌ونقل می‌توانند علاوه بر ارتقای کیفیت خدمات، به افزایش درآمدهای پایدار شهر نیز کمک کنند.

البته سودآوری نباید تنها معیار انتخاب پروژه‌ها باشد. هدف اصلی همچنان تأمین منافع عمومی است. اما در شرایطی که یک پروژه می‌تواند هم برای شهروندان خدمت ایجاد کند و هم بخشی از هزینه‌های خود را جبران نماید، اولویت بیشتری خواهد داشت. این رویکرد به مدیریت مالی مسئولانه و کاهش فشار بر بودجه عمومی کمک می‌کند.

چهارمین راهبرد این منشور، اجرای «پروژه‌های نمادین و بزرگ‌مقیاس» است. شهرها علاوه بر زیرساخت و خدمات، به نمادها نیز نیاز دارند. پروژه‌های نمادین می‌توانند هویت شهری را تقویت کنند، احساس غرور و تعلق را افزایش دهند و جایگاه شهر را در سطح ملی و بین‌المللی ارتقا دهند.

بسیاری از شهرهای موفق جهان با پروژه‌های نمادین خود شناخته می‌شوند. این پروژه‌ها صرفاً سازه‌های فیزیکی نیستند، بلکه بخشی از تصویر ذهنی شهر و سرمایه اجتماعی آن محسوب می‌شوند. تهران نیز به عنوان پایتخت ایران نیازمند پروژه‌هایی است که بتوانند جایگاه فرهنگی، تاریخی، علمی و اجتماعی آن را برجسته سازند.

با این حال، منشور حکمرانی شهری تأکید می‌کند که پروژه‌های نمادین نباید جایگزین خدمات اساسی شهر شوند. هیچ پروژه بزرگی نباید به قیمت نادیده گرفتن نیازهای روزمره مردم اجرا شود. هنر مدیریت شهری آن است که میان سرمایه‌گذاری در آینده شهر و پاسخگویی به نیازهای امروز شهروندان تعادل برقرار کند.

در این نگاه، توسعه شهری مانند یک سبد سرمایه‌گذاری است. بخشی از منابع باید صرف حل مسائل فوری محلات شود، بخشی برای ارتقای زیرساخت‌های کلان اختصاص یابد، بخشی در پروژه‌های درآمدزا سرمایه‌گذاری شود و بخشی نیز به تقویت هویت و جایگاه شهر اختصاص پیدا کند. هر چهار بخش برای موفقیت بلندمدت شهر ضروری هستند.

چشم‌انداز این منشور، شهری است که در آن هیچ محله‌ای فراموش نمی‌شود، هیچ پروژه‌ای بدون ارزیابی دقیق آغاز نمی‌شود و هیچ سرمایه‌گذاری بزرگی بدون توجه به منافع عمومی انجام نمی‌گیرد. تهران، ری و تجریش به مجموعه‌ای متوازن از پروژه‌های محلی، راهبردی، اقتصادی و نمادین نیاز دارند تا بتوانند هم کیفیت زندگی امروز را ارتقا دهند و هم آینده‌ای پایدار و پرافتخار برای نسل‌های بعدی بسازند.

فصل هفتم:

اقتصاد محلی، مشاغل و مجوزهای کسب و کار

از شهر مصرف‌کننده به شهر تولیدکننده

هیچ شهری بدون اقتصاد پویا، اشتغال پایدار و فعالیت مستمر کسب‌وکارهای محلی نمی‌تواند به توسعه پایدار دست یابد. کیفیت زندگی شهروندان تنها به میزان خدمات عمومی وابسته نیست، بلکه به فرصت‌های اقتصادی، امنیت شغلی، درآمد خانوارها و امکان مشارکت در فعالیت‌های مولد نیز بستگی دارد. به همین دلیل، اقتصاد شهری یکی از مهم‌ترین ارکان حکمرانی شهری محسوب می‌شود.

اگرچه سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی در سطح ملی انجام می‌شود، اما مدیریت شهری نیز نقش مهمی در شکل‌گیری محیط کسب‌وکار، تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، حمایت از کارآفرینی محلی و هدایت ظرفیت‌های اقتصادی شهر ایفا می‌کند. شورای شهر می‌تواند با سیاست‌گذاری مناسب، بخشی از موانع رشد اقتصادی را کاهش دهد و شرایط مساعدتری برای فعالیت شهروندان فراهم کند.

تهران، ری و تجریش علاوه بر آنکه مرکز سیاسی و اداری کشور هستند، بزرگ‌ترین بازار مصرف و یکی از مهم‌ترین مراکز تولید خدمات، دانش، فناوری و تجارت نیز به شمار می‌روند. با این حال، بخش مهمی از ظرفیت‌های اقتصادی محلات هنوز فعال نشده و بسیاری از شهروندان، به‌ویژه زنان، جوانان و افراد دارای مهارت‌های تخصصی، فرصت کافی برای تبدیل توانایی‌های خود به درآمد پایدار را در اختیار ندارند.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که اقتصاد شهری باید بیش از گذشته به ظرفیت‌های محلی متکی باشد. هر محله می‌تواند علاوه بر مصرف‌کننده خدمات، به تولیدکننده ارزش، اشتغال و سرمایه اجتماعی نیز تبدیل شود. این نگاه، مبنای اصلی سیاست‌های این فصل را تشکیل می‌دهد.

نخستین راهبرد این منشور، «رونق مشاغل خانگی» است. در سال‌های اخیر، تحولات فناوری، گسترش اینترنت، تغییر الگوهای کسب‌وکار و افزایش هزینه‌های راه‌اندازی واحدهای اقتصادی سنتی، اهمیت مشاغل خانگی را بیش از گذشته آشکار کرده است. بسیاری از شهروندان می‌توانند بدون نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین و تنها با تکیه بر مهارت، دانش و خلاقیت خود، فعالیت اقتصادی مؤثری را از محل سکونت یا در مقیاس محلی آغاز کنند.

مشاغل خانگی تنها یک ابزار درآمدزایی نیستند؛ بلکه می‌توانند به افزایش تاب‌آوری اقتصادی خانواده‌ها، کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های اقتصادی و تقویت اقتصاد محله‌ای کمک کنند. در شرایطی که بسیاری از خانوارها با فشارهای معیشتی روبه‌رو هستند، توسعه این نوع فعالیت‌ها می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای اشتغال و کسب درآمد فراهم سازد.

نقش مدیریت شهری در این زمینه، تسهیل‌گری است. شورا و شهرداری باید موانع غیرضروری را شناسایی کنند، دسترسی فعالان اقتصادی به بازارهای محلی را افزایش دهند، بسترهای آموزشی و ترویجی را تقویت کنند و از ظرفیت مراکز فرهنگی، اجتماعی و محله‌ای برای توانمندسازی شهروندان بهره بگیرند.

یکی از اهداف این رویکرد، تبدیل محله از یک واحد صرفاً مصرف‌کننده به یک واحد اقتصادی فعال است. هرچه بخشی از نیازهای اقتصادی در مقیاس محله تأمین شود، هم اشتغال افزایش می‌یابد و هم سرمایه و درآمد بیشتری در همان محله گردش خواهد کرد.

دومین راهبرد این منشور، «هدایت مشاغل به سمت اولویتهای توسعه شهری» است. شهر تنها به تعداد بیشتری کسب و کار نیاز ندارد؛ بلکه به کسب و کارهای متناسب با نیازهای آینده خود نیازمند است. مدیریت شهری باید بتواند با سیاست‌گذاری هوشمند، بخشی از ظرفیت اقتصادی شهر را به سمت حوزه‌هایی هدایت کند که بیشترین منفعت عمومی را ایجاد می‌کنند.

برای مثال، مشاغل مرتبط با فناوری‌های نوین، محیط زیست، بازیافت، خدمات هوشمند شهری، گردشگری، صنایع فرهنگی، خدمات سالمندی، اقتصاد دیجیتال و کسب و کارهای دانش‌بنیان می‌توانند نقش مهمی در حل مسائل آینده شهر ایفا کنند. حمایت از این حوزه‌ها علاوه بر ایجاد اشتغال، موجب افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت خدمات شهری نیز خواهد شد.

این هدایت به معنای مداخله مستقیم در بازار یا محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی نیست. بلکه به معنای استفاده از ابزارهای تشویقی، تسهیل‌گری، اطلاع‌رسانی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای رشد حوزه‌های اولویت‌دار است. شورا می‌تواند از طریق سیاست‌گذاری و نظارت، زمینه شکل‌گیری یک اکوسیستم اقتصادی هماهنگ با نیازهای شهر را فراهم کند.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در حوزه کسب و کار، پیچیدگی برخی فرآیندهای اداری و صدور مجوزهاست. هرچند بخش عمده مجوزهای اقتصادی در اختیار نهادهای ملی قرار دارد، اما مدیریت شهری نیز در برخی حوزه‌ها نقش مستقیم یا غیرمستقیم دارد. منشور حکمرانی شهری از هرگونه اقدام در جهت کاهش بوروکراسی، شفاف‌سازی فرآیندها، کوتاه شدن زمان پاسخگویی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری مقررات حمایت می‌کند.

فعالان اقتصادی باید بتوانند با اطمینان بیشتری برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند. مقررات پیچیده، تصمیمات متناقض و فرآیندهای زمان‌بر، نه تنها هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش می‌دهند، بلکه انگیزه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را نیز کاهش می‌دهند. یکی از وظایف مدیریت شهری، حرکت به سمت محیطی است که در آن فعالیت اقتصادی قانونی، ساده‌تر، شفاف‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر باشد.

این منشور همچنین بر اهمیت اقتصاد محله‌ای تأکید دارد. بسیاری از نیازهای روزمره شهروندان می‌تواند توسط کسب و کارهای کوچک و متوسط محلی تأمین شود. حمایت از این کسب و کارها علاوه بر ایجاد اشتغال، موجب افزایش پویایی اجتماعی محلات، کاهش سفرهای غیرضروری شهری و تقویت ارتباطات اجتماعی نیز می‌شود.

در این نگاه، اقتصاد شهری صرفاً مجموعه‌ای از اعداد و شاخص‌های مالی نیست؛ بلکه بخشی از کیفیت زندگی شهروندان است. محله‌ای که در آن فرصت‌های شغلی وجود دارد، کسب و کارهای کوچک فعال هستند و شهروندان امکان مشارکت اقتصادی دارند، از سرمایه اجتماعی و پایداری بیشتری نیز برخوردار خواهد بود.

چشم‌انداز این منشور، شهری است که در آن هر شهروند بتواند متناسب با توانایی‌ها و مهارت‌های خود فرصت مشارکت در اقتصاد را داشته باشد؛ شهری که از ظرفیت‌های محلی برای تولید ثروت استفاده می‌کند؛ شهری که کسب و کارهای کوچک و متوسط را بخشی از راه‌حل می‌داند، نه بخشی از مسئله؛ و شهری که اقتصاد آن در خدمت رفاه مردم، توسعه پایدار و تقویت تاب‌آوری اجتماعی قرار دارد.

تهران، ری و تجریش برای عبور از چالش‌های اقتصادی آینده، نیازمند اقتصادی متنوع، مردمی، دانش‌بنیان و محله‌محور هستند. رونق مشاغل خانگی و هدایت هوشمند فعالیت‌های اقتصادی، دو گام مهم در مسیر تحقق این چشم‌انداز خواهند بود.

فصل هشتم:

سیما، منظر و هویت شهری

معماری بومی و طبیعت‌محور؛ ساختن شهری برای زندگی

شهر تنها محل سکونت نیست؛ شهر محل زندگی است. تفاوت میان این دو مفهوم، تفاوت میان مجموعه‌ای از ساختمان‌ها با یک جامعه زنده و پویاست. انسان‌ها صرفاً در شهرها زندگی نمی‌کنند، بلکه با شهر ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند، در آن خاطره می‌سازند، هویت پیدا می‌کنند و بخشی از شخصیت جمعی خود را در سیمای شهر بازمی‌یابند. به همین دلیل، کیفیت سیما و منظر شهری تنها یک موضوع زیبایی‌شناختی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده کیفیت زندگی، سلامت روانی، سرمایه اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به محیط زندگی است.

تهران، ری و تجریش مجموعه‌ای کم‌نظیر از تاریخ، فرهنگ، تمدن، تنوع اجتماعی و ظرفیت‌های طبیعی را در خود جای داده‌اند. از میراث چند هزار ساله شهر ری تا بافت‌های تاریخی شمیران و از محلات قدیمی تهران تا فضاهای مدرن شهری، همه بخشی از هویت این شهر بزرگ را تشکیل می‌دهند. اما واقعیت این است که طی دهه‌های اخیر، رشد شتابان شهر و غلبه نگاه صرفاً کالبدی به توسعه، در بسیاری از موارد باعث شده است که هویت شهری در برابر سرعت ساخت‌وسازها و تحولات اقتصادی کمرنگ شود.

امروز بسیاری از شهروندان احساس می‌کنند که شهر در حال از دست دادن شخصیت منحصر به فرد خود است. نماهای ناهماهنگ، ساخت‌وسازهای بی‌هویت، کاهش فضاهای طبیعی، آشفته‌گی بصری، کمرنگ شدن نشانه‌های محلی و فاصله گرفتن معماری از فرهنگ و اقلیم منطقه، بخشی از چالش‌هایی هستند که بر چهره شهر تأثیر گذاشته‌اند. در چنین شرایطی، مدیریت شهری وظیفه دارد علاوه بر توسعه زیرساخت‌ها، از هویت و کیفیت محیط زندگی نیز صیانت کند.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که شهر موفق، شهری نیست که فقط بزرگ‌تر شود؛ بلکه شهری است که زیباتر، انسانی‌تر و هویت‌مندتر شود. توسعه اگر به از دست رفتن هویت شهری منجر شود، در بلندمدت بخشی از سرمایه اجتماعی شهر را نیز از بین خواهد برد. از همین رو، یکی از محورهای اصلی این منشور، توجه ویژه به سیما و منظر شهری و بازگرداندن انسان و طبیعت به مرکز فرآیند توسعه است.

راهبرد اصلی این فصل «معماری بومی و طبیعت‌محور» است. این راهبرد بر این اصل استوار است که توسعه شهری باید با ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی تهران، ری و تجریش هماهنگ باشد. شهر نباید به مجموعه‌ای از الگوهای تکراری و بی‌روح تبدیل شود. هر محله باید شخصیت خود را داشته باشد و هر پروژه شهری باید به ارتقای هویت محیط پیرامون خود کمک کند.

معماری بومی به معنای بازگشت به گذشته یا مخالفت با نوآوری نیست. مقصود از معماری بومی، استفاده هوشمندانه از تجربه تاریخی، ویژگی‌های فرهنگی و اقتضائات اقلیمی در کنار فناوری‌ها و نیازهای جدید است. همان‌گونه که شهرهای موفق جهان توانسته‌اند میان اصالت و مدرنیته تعادل برقرار کنند، تهران، ری و تجریش نیز باید مسیر توسعه خود را بر پایه همین تعادل بنا کنند.

یکی از اهداف این رویکرد، تقویت هویت محله‌هاست. محله‌ها تنها واحدهای اداری یا جغرافیایی نیستند؛ آن‌ها حامل خاطرات، روابط اجتماعی، فرهنگ محلی و سرمایه اجتماعی شهر هستند. هر اندازه هویت محلات تقویت شود، حس تعلق شهروندان نیز افزایش خواهد یافت. مردمی که به محله خود افتخار می‌کنند، بیشتر در نگهداری آن مشارکت می‌کنند و نقش فعال‌تری در حل مسائل شهری ایفا خواهند کرد.

در کنار معماری بومی، طبیعت‌محوری دومین ستون این راهبرد است. تهران، ری و تجریش بیش از هر زمان دیگری به بازگشت طبیعت به فضای زندگی شهری نیاز دارند. آلودگی هوا، افزایش دمای شهری، کاهش سرانه فضای سبز در برخی مناطق، فشار بر منابع طبیعی و فاصله گرفتن سبک زندگی شهری از محیط طبیعی، ضرورت توجه به این موضوع را دوچندان کرده است.

طبیعت‌محوری تنها به معنای توسعه پارک‌های بزرگ نیست. طبیعت باید در همه سطوح شهر حضور داشته باشد؛ از حیاط خانه‌ها و مجتمع‌ها گرفته تا پیاده‌راه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها، مدارس، مراکز فرهنگی و فضاهای عمومی. هر نقطه‌ای از که امکان حضور گیاهان، درختان و عناصر طبیعی در آن وجود دارد، باید به عنوان فرصتی برای ارتقای کیفیت محیط شهری مورد توجه قرار گیرد.

بر همین اساس، منشور حکمرانی شهری از توسعه «فضاهای سبز مردمی» حمایت می‌کند. تجربه جهانی نشان داده است که بسیاری از موفق‌ترین طرح‌های زیباسازی و توسعه فضای سبز زمانی شکل گرفته‌اند که مردم خود در فرآیند ایجاد و نگهداری آن مشارکت داشته‌اند. شهری که شهروندان در آن برای کاشت درخت، نگهداری باغچه‌ها، حفاظت از فضای سبز و ارتقای محیط محله خود مشارکت می‌کنند، شهری پایدارتر و زیباتر خواهد بود.

در این نگاه، زیباسازی شهری یک پروژه کوتاه‌مدت و تبلیغاتی نیست. زیبایی واقعی نتیجه برنامه‌ریزی بلندمدت، نگهداری مستمر، مشارکت عمومی و احترام به طبیعت است. نمی‌توان با چند پروژه مقطعی شهری زیبا ساخت؛ همان‌گونه که نمی‌توان بدون توجه به فرهنگ و هویت، شهری ماندگار ایجاد کرد.

یکی دیگر از اصول این منشور، عدالت در منظر شهری است. زیبایی نباید به مناطق خاصی از شهر محدود شود. همه شهروندان، صرف‌نظر از محل سکونت خود، حق دارند از محیطی برخوردار باشند که پاکیزه، منظم، زیبا، ایمن و هویت‌مند باشد. فاصله میان کیفیت محیط شهری در مناطق مختلف باید به تدریج کاهش یابد و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با بهبود منظر شهری به شکل متوازن در سراسر شهر توزیع شود.

همچنین این منشور بر کاهش آلودگی بصری تأکید دارد. تابلوهای نامنظم، نماهای ناسازگار، فضاهای رهاشده، تجهیزات شهری فرسوده و عناصر ناهماهنگ، بخشی از کیفیت ادراک شهروندان از محیط زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مدیریت شهری باید با سیاست‌گذاری دقیق، مقررات شفاف و نظارت مستمر، به سمت ایجاد نظم بصری و ارتقای کیفیت فضاهای عمومی حرکت کند.

شهر باید روایتگر فرهنگ، تاریخ و آرزوهای مردم خود باشد. فضاهای عمومی، میادین، پارک‌ها، گذرها و بناهای شهری می‌توانند بستری برای نمایش هویت ایرانی، اسلامی و محلی باشند. هنر شهری، آثار فرهنگی، نشانه‌های تاریخی و طراحی متناسب با فرهنگ بومی، می‌توانند شهر را از یک فضای صرفاً فیزیکی به محیطی سرشار از معنا و تعلق تبدیل کنند.

چشم‌انداز این منشور، شهری است که در آن توسعه با هویت همراه باشد، معماری با فرهنگ پیوند بخورد و طبیعت بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره شهروندان باشد. شهری که نه تنها برای عبور خودروها، بلکه برای زندگی انسان‌ها طراحی شده باشد. شهری که شهروندان در آن احساس آرامش، تعلق، افتخار و مسئولیت کنند.

تهران، ری و تجریش برای تبدیل شدن به شهری زیباتر، انسانی‌تر و پایدارتر، نیازمند بازگشت به اصول معماری بومی و توسعه طبیعت‌محور هستند. این مسیر شاید زمان‌بر باشد، اما یکی از ماندگارترین سرمایه‌گذاری‌هایی است که می‌توان برای آینده شهر و نسل‌های بعدی انجام داد.

فصل نهم:

ساماندهی میادین میوه و تره بار و
فروشگاه‌های شهروند

از شبکه توزیع شهری به شبکه حمایت از تولید و رفاه مردم

یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریت شهری، کمک به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است. کیفیت زندگی تنها به خیابان‌ها، پارک‌ها و خدمات عمرانی محدود نمی‌شود؛ بلکه دسترسی آسان، ارزان و عادلانه به کالاهای اساسی و مایحتاج روزمره نیز بخش مهمی از رفاه شهری را تشکیل می‌دهد. خانواده‌ای که برای تأمین نیازهای اولیه خود با هزینه‌های سنگین مواجه است، طبیعتاً آثار مثبت بسیاری از خدمات شهری را کمتر احساس خواهد کرد.

در تهران، ری و تجریش، شبکه میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند طی سال‌های گذشته به یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت شهری برای تنظیم بازار و حمایت از مصرف‌کنندگان تبدیل شده‌اند. این شبکه گسترده توانسته است بخشی از نیازهای روزمره شهروندان را با قیمت مناسب‌تر تأمین کند و نقش مؤثری در افزایش دسترسی عمومی به کالاهای ضروری داشته باشد.

با این حال، ظرفیت این مجموعه بسیار فراتر از وضع موجود است. منشور حکمرانی شهری معتقد است که میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های وابسته به شهرداری نباید صرفاً مراکز عرضه کالا باشند، بلکه باید به یکی از ابزارهای اصلی حمایت از تولیدکنندگان، کاهش هزینه‌های زندگی شهروندان و تقویت اقتصاد محلی تبدیل شوند.

نخستین راهبرد این منشور در این حوزه، «نظام توزیع در خدمت تولید خرد» است. اقتصاد کشور و شهر تنها بر پایه بنگاه‌های بزرگ شکل نگرفته است. هزاران تولیدکننده کوچک و متوسط، کشاورز، باغدار، دامدار، تعاونی تولیدی، کارگاه محلی و کسب‌وکار خانوادگی در سراسر کشور فعالیت می‌کنند که سهم مهمی در تولید کالاهای مورد نیاز مردم دارند. با این حال، بسیاری از این تولیدکنندگان برای دسترسی به بازارهای مصرف با مشکلات جدی روبه‌رو هستند.

در بسیاری از موارد، فاصله میان تولیدکننده و مصرف‌کننده به اندازه‌ای زیاد شده است که بخش قابل توجهی از سود زنجیره تأمین نصیب واسطه‌ها می‌شود و نه تولیدکننده یا مصرف‌کننده. نتیجه این وضعیت آن است که تولیدکننده درآمد کمتری دریافت می‌کند و شهروند نیز کالا را با قیمت بالاتری خریداری می‌کند.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که شبکه توزیع شهری باید تا حد امکان به بستری برای حمایت از تولیدکنندگان کوچک و متوسط تبدیل شود. میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند می‌توانند با ایجاد سازوکارهای شفاف، رقابتی و عادلانه، فرصت حضور گسترده‌تر تولیدکنندگان واقعی را در بازار مصرف فراهم کنند.

این سیاست علاوه بر حمایت از تولید داخلی، موجب افزایش تنوع کالا، ارتقای کیفیت محصولات و کاهش فشار هزینه‌ای بر شهروندان نیز خواهد شد. زمانی که تولیدکنندگان بیشتری امکان دسترسی مستقیم به بازار را پیدا کنند، رقابت سالم تقویت می‌شود و منافع آن به مصرف‌کنندگان نیز منتقل خواهد شد.

دومین راهبرد این منشور، «حذف واسطه‌های غیرضروری در تأمین کالا» است. هدف از این سیاست، کوتاه‌تر کردن زنجیره توزیع و رساندن کالا از محل تولید به محل عرضه با کمترین هزینه و بیشترین شفافیت ممکن است.

امروزه یکی از عوامل مهم افزایش قیمت کالاهای مصرفی، تعدد واسطه‌ها در فرآیند توزیع است. هر حلقه اضافی در زنجیره تأمین، هزینه جدیدی به قیمت نهایی کالا اضافه می‌کند. در نتیجه، خانوارها مجبور می‌شوند بخش بیشتری از درآمد خود را صرف خرید کالاهای اساسی کنند.

میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند می‌توانند به عنوان حلقه‌ای کارآمد میان تولیدکننده و مصرف‌کننده عمل کنند. هر اندازه فرآیند تأمین و توزیع شفاف‌تر، کوتاه‌تر و رقابتی‌تر باشد، امکان عرضه کالا با قیمت مناسب‌تر نیز افزایش خواهد یافت. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که معیشت خانوارها با فشارهای اقتصادی مواجه است، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

این منشور همچنین بر توسعه عدالت جغرافیایی در دسترسی به مراکز عرضه تأکید دارد. همه شهروندان باید بتوانند با فاصله‌ای مناسب به خدمات میادین و فروشگاه‌های شهری دسترسی داشته باشند. تمرکز امکانات در برخی مناطق و کمبود آن‌ها در مناطق دیگر، موجب نابرابری در بهره‌مندی از خدمات عمومی خواهد شد.

از سوی دیگر، این مراکز باید به سمت هوشمندسازی و ارتقای کیفیت خدمات حرکت کنند. استفاده از فناوری برای مدیریت موجودی کالا، کاهش هزینه‌های توزیع، بهبود خدمات‌رسانی و افزایش شفافیت می‌تواند بهره‌وری این شبکه را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. شهروندان باید بتوانند از طریق ابزارهای نوین، اطلاعات لازم درباره قیمت‌ها، موجودی کالاها و خدمات قابل ارائه را به آسانی دریافت کنند.

یکی دیگر از اهداف این منشور، تبدیل بخشی از ظرفیت این شبکه به ابزاری برای حمایت از اقتصاد محلی است. در بسیاری از مناطق، تولیدکنندگان خرد، تعاونی‌ها و کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند بخشی از محصولات خود را از طریق این شبکه عرضه کنند. این سیاست علاوه بر تقویت تولید، به ایجاد اشتغال، افزایش درآمد محلی و گسترش عدالت اقتصادی نیز کمک خواهد کرد.

در نگاه این منشور، شبکه توزیع شهری نباید صرفاً یک مجموعه اقتصادی باشد؛ بلکه بخشی از سیاست رفاهی و اجتماعی شهر محسوب می‌شود. هر تصمیمی که بتواند هزینه زندگی مردم را کاهش دهد، دسترسی آنان به کالاهای باکیفیت را افزایش دهد و از تولیدکنندگان واقعی حمایت کند، در نهایت به افزایش رفاه عمومی و سرمایه اجتماعی شهر منجر خواهد شد.

چشم‌انداز این منشور، ایجاد شبکه‌ای کارآمد، شفاف، مردمی و عدالت‌محور در حوزه تأمین و توزیع کالاهای اساسی است. شبکه‌ای که هم از تولیدکننده حمایت کند، هم به مصرف‌کننده خدمت ارائه دهد و هم به عنوان یکی از ابزارهای ارتقای رفاه شهری عمل نماید.

تهران، ری و تجریش به نظام توزیعی نیاز دارند که در آن منافع تولیدکننده و مصرف‌کننده در مقابل یکدیگر قرار نگیرند، بلکه در یک زنجیره منصفانه و کارآمد به یکدیگر پیوند بخورند. چنین رویکردی می‌تواند یکی از مؤثرترین ابزارهای مدیریت شهری برای حمایت از معیشت شهروندان و تقویت اقتصاد مردمی باشد.

فصل دهم:

ساماندهی آرامستان‌ها و خدمات متوفیان

کرامت انسانی، آرامش خانواده‌ها و آینده‌نگری شهری

نحوه مواجهه یک جامعه با مرگ و آیین‌های مرتبط با آن، یکی از شاخص‌های مهم تمدن، فرهنگ و کیفیت حکمرانی آن جامعه است. هرچند موضوع آرامستان‌ها و خدمات متوفیان کمتر از سایر حوزه‌های مدیریت شهری مورد توجه افکار عمومی قرار می‌گیرد، اما در واقع یکی از حساس‌ترین و انسانی‌ترین وظایف مدیریت شهری به شمار می‌رود. در این حوزه، شهروندان در دشوارترین و غم‌انگیزترین لحظات زندگی خود با ساختارهای خدماتی شهر مواجه می‌شوند و کیفیت این خدمات می‌تواند تأثیر عمیقی بر آرامش روحی خانواده‌ها داشته باشد.

مدیریت آرامستان‌ها تنها به دفن متوفیان محدود نمی‌شود. این حوزه مجموعه‌ای از خدمات انسانی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و کالبدی را در بر می‌گیرد که باید با نهایت احترام، نظم، سرعت و کرامت انجام شوند. خانواده‌ای که عزیزی را از دست داده است نباید درگیر پیچیدگی‌های اداری، فرآیندهای طولانی، سردرگمی یا مشکلات ناشی از ضعف هماهنگی میان دستگاه‌ها شود.

تهران، ری و تجریش به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه شهری کشور، سالانه با حجم بالایی از خدمات مرتبط با متوفیان مواجه هستند. رشد جمعیت، توسعه شهر، محدودیت زمین و افزایش نیازهای خدماتی، ضرورت برنامه‌ریزی بلندمدت در این حوزه را بیش از گذشته آشکار کرده است. منشور حکمرانی شهری معتقد است که آرامستان‌ها باید با نگاهی انسانی، آینده‌نگر و مبتنی بر کرامت شهروندان مدیریت شوند.

نخستین راهبرد این منشور، «کاهش بروکراسی و سرعت خدمات» است. در شرایطی که خانواده‌ها با اندوه از دست دادن عزیزان خود مواجه هستند، هرگونه تأخیر، پیچیدگی یا سردرگمی اداری می‌تواند فشار روحی آنان را چند برابر کند. یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریت شهری، تسهیل حداکثری فرآیندهای مرتبط با خدمات متوفیان است.

خانواده‌ها باید بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، با کمترین مراجعه حضوری و بدون مواجهه با فرآیندهای غیرضروری، امور مربوط به متوفی را انجام دهند. هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی، یکپارچه‌سازی فرآیندها و کاهش تشریفات زائد، از جمله اقداماتی است که می‌تواند کیفیت خدمات را به شکل چشمگیری ارتقا دهد.

در این نگاه، فناوری باید در خدمت انسان باشد. بسیاری از خدماتی که امروز نیازمند مراجعات متعدد هستند، می‌توانند از طریق سامانه‌های هوشمند و خدمات غیرحضوری ساده‌تر و سریع‌تر ارائه شوند. هدف آن است که خانواده‌ها در این شرایط دشوار، بیشترین تمرکز خود را بر امور عاطفی و خانوادگی داشته باشند و کمترین درگیری را با مسائل اداری تجربه کنند.

یکی دیگر از اصول این راهبرد، ارتقای کیفیت رفتار سازمانی و تکریم مراجعان است. کارکنان و مجموعه‌های فعال در این حوزه باید آموزش‌های لازم را برای مواجهه انسانی، محترمانه و حرفه‌ای با خانواده‌های داغدار دریافت کنند. در چنین شرایطی، نحوه برخورد و کیفیت ارتباط انسانی گاه به اندازه کیفیت خدمات فنی اهمیت دارد.

دومین راهبرد این منشور، «تجمع و افزایش فاصله آرامستان‌ها از محدوده توسعه شهری» است. توسعه سریع شهرها در دهه‌های گذشته موجب شده است که برخی آرامستان‌هایی که زمانی در حاشیه شهر قرار داشتند، به تدریج در مجاورت یا درون بافت‌های شهری

قرار گیرند. این موضوع علاوه بر محدودیت‌های کالبدی، چالش‌هایی در حوزه حمل‌ونقل، محیط زیست، توسعه شهری و مدیریت زمین ایجاد کرده است.

منشور حکمرانی شهری معتقد است که برنامه‌ریزی برای آرامستان‌ها باید با نگاه چند دهه‌ای انجام شود. مدیریت شهری نباید صرفاً به نیازهای کوتاه‌مدت توجه کند، بلکه باید ظرفیت‌های مورد نیاز نسل‌های آینده را نیز در نظر بگیرد. تأمین زمین مناسب، پیش‌بینی توسعه‌های آتی و طراحی شبکه‌ای کارآمد از خدمات مرتبط با متوفیان، بخشی از این مسئولیت بلندمدت است.

تجمع خدمات و ایجاد مجموعه‌های مجهز و استاندارد در خارج از محدوده توسعه آتی شهر می‌تواند مزایای متعددی به همراه داشته باشد. این رویکرد ضمن کاهش فشار بر اراضی شهری، امکان ارائه خدمات منظم‌تر، توسعه زیرساخت‌های مناسب‌تر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر را نیز فراهم می‌کند. همچنین از تداخل کاربری‌های مختلف شهری و بروز مشکلات ناشی از گسترش بی‌برنامه شهر جلوگیری خواهد کرد.

البته افزایش فاصله جغرافیایی نباید به کاهش دسترسی شهروندان منجر شود. توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، خدمات رفاهی مناسب، مسیرهای دسترسی استاندارد و برنامه‌ریزی دقیق برای جابه‌جایی مراجعان، باید همزمان با توسعه آرامستان‌ها مورد توجه قرار گیرد. هدف این سیاست، ارتقای کیفیت خدمات است، نه دشوارتر کردن دسترسی مردم.

این منشور همچنین بر ضرورت حفظ شأن، آرامش و کیفیت محیطی آرامستان‌ها تأکید دارد. آرامستان‌ها تنها محل دفن نیستند؛ آن‌ها بخشی از حافظه تاریخی و عاطفی جامعه محسوب می‌شوند. طراحی مناسب، نگهداری مستمر، فضای سبز کافی، نظم محیطی و امکانات مناسب برای مراجعان، نقش مهمی در حفظ حرمت این فضاها دارد.

از سوی دیگر، مدیریت آرامستان‌ها باید با رعایت کامل اصول بهداشتی، زیست‌محیطی و شهرسازی انجام شود. حفاظت از منابع طبیعی، مدیریت صحیح پسماندهای مرتبط، رعایت استانداردهای بهداشتی و توجه به ملاحظات محیط زیستی، بخشی از مسئولیت‌های مدیریت شهری در این حوزه است.

شورای شهر در این زمینه وظیفه دارد بر کیفیت خدمات، نحوه مدیریت منابع، برنامه‌ریزی بلندمدت و رعایت حقوق شهروندان نظارت کند. آرامستان‌ها اگرچه کمتر در مرکز توجه رسانه‌ها قرار دارند، اما بخشی از مهم‌ترین خدمات عمومی شهر را تشکیل می‌دهند و نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و آینده‌نگر هستند.

چشم‌انداز این منشور، ایجاد نظامی انسانی، سریع، محترمانه و آینده‌نگر در حوزه خدمات متوفیان است. نظامی که در آن کرامت انسان در همه مراحل حفظ شود، خانواده‌ها کمترین فشار اداری را تجربه کنند و شهر بتواند با برنامه‌ریزی بلندمدت، پاسخگوی نیازهای نسل‌های آینده باشد.

تهران، ری و تجریش به مدیریتی نیاز دارند که حتی در دشوارترین لحظات زندگی شهروندان نیز در کنار آنان باشد؛ مدیریتی که خدمت‌رسانی را با احترام، کارآمدی را با انسانیت و برنامه‌ریزی را با نگاه بلندمدت پیوند بزند.

فصل یازدهم:

پارک‌ها، فضاهای فراغتی، فرهنگسراها،
کتابخانه‌ها و سینماها

از مصرف خدمات فرهنگی به مشارکت در تولید فرهنگ

شهر تنها محل سکونت و فعالیت اقتصادی نیست؛ شهر محل زندگی اجتماعی، تعامل فرهنگی، یادگیری، تفریح، خلاقیت و شکل‌گیری هویت جمعی نیز هست. هر اندازه زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و فراغتی یک شهر توسعه‌یافته‌تر و در دسترس‌تر باشند، کیفیت زندگی شهروندان نیز ارتقا می‌یابد. به همین دلیل، پارک‌ها، فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، سینماها، خانه‌های فرهنگ، مراکز هنری و فضاهای عمومی، صرفاً مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و امکانات نیستند؛ بلکه بخشی از سرمایه اجتماعی و فرهنگی شهر محسوب می‌شوند.

تهران، ری و تجریش از گسترده‌ترین شبکه فضاهای فرهنگی و اجتماعی کشور برخوردارند. صدها بوستان، فرهنگسرا، کتابخانه، سینما، مرکز آموزشی و فضای عمومی در سطح شهر فعالیت می‌کنند و سالانه میلیون‌ها شهروند از خدمات آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. با این حال، بخشی از این ظرفیت عظیم هنوز به صورت کامل مورد استفاده قرار نگرفته است و برخی از این فضاها با محدودیت‌هایی در زمینه بهره‌وری، تنوع برنامه‌ها، مشارکت مردمی و دسترسی عمومی مواجه هستند.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که مهم‌ترین سرمایه هر شهر، مردم آن هستند. بنابراین هدف از توسعه فضاهای فرهنگی و اجتماعی صرفاً ساخت ساختمان‌های جدید نیست، بلکه فعال‌سازی ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی موجود است. شهر موفق شهری است که بتواند از ظرفیت شهروندان برای تولید فرهنگ، دانش، هنر و سرمایه اجتماعی بهره بگیرد.

نخستین راهبرد این منشور در این حوزه، «چندمنظوره‌سازی فضاها» است. در شرایطی که منابع مالی و زمین شهری محدود هستند، استفاده حداکثری از امکانات موجود اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. بسیاری از فضاهای فرهنگی، آموزشی و اجتماعی شهر در ساعات یا ایام خاصی از شبانه‌روز بلااستفاده می‌مانند، در حالی که می‌توانند میزبان فعالیت‌های متنوع‌تری باشند.

چندمنظوره‌سازی به این معناست که هر فضای عمومی تا حد امکان بتواند پاسخگوی نیازهای متنوع شهروندان باشد. یک فرهنگسرا می‌تواند علاوه بر برنامه‌های فرهنگی، میزبان آموزش‌های مهارتی، نشست‌های محلی، فعالیت‌های کارآفرینی، برنامه‌های نوجوانان، دوره‌های سالمندان و رویدادهای اجتماعی نیز باشد. یک کتابخانه می‌تواند علاوه بر امانت کتاب، به پایگاهی برای آموزش، گفت‌وگو، مطالعه گروهی و فعالیت‌های خلاقانه تبدیل شود. پارک‌ها نیز می‌توانند علاوه بر کارکرد تفریحی، نقش آموزشی، فرهنگی، ورزشی و اجتماعی ایفا کنند.

هدف از این رویکرد، افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های عمومی و گسترش دسترسی شهروندان به امکانات موجود است. در بسیاری از مناطق شهر، مردم بیش از آنکه به ساخت ساختمان‌های جدید نیاز داشته باشند، به استفاده بهتر از ظرفیت‌های موجود نیاز دارند.

چندمنظوره‌سازی همچنین به افزایش پویایی محلات کمک می‌کند. هر اندازه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در سطح محلات گسترش یابد، تعامل میان شهروندان بیشتر خواهد شد و زمینه شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی محلی تقویت می‌شود. این موضوع نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای سرمایه اجتماعی شهر دارد.

دومین راهبرد این منشور، استفاده از ظرفیت «گروه‌های جهادی و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی» است. تجربه نشان داده است که بسیاری از موفق‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی زمانی شکل می‌گیرند که مردم خود در طراحی، اجرا و مدیریت آن‌ها نقش داشته باشند. فرهنگ را نمی‌توان صرفاً از طریق ساختارهای اداری تولید کرد؛ فرهنگ زمانی زنده و اثرگذار است که از دل جامعه شکل بگیرد.

در تهران، ری و تجریش هزاران گروه مردمی، تشکل فرهنگی، انجمن تخصصی، هیئت مذهبی، گروه جهادی، فعال اجتماعی، هنرمند، نویسنده، معلم و کنشگر محلی حضور دارند که می‌توانند نقش مهمی در پویایی فرهنگی شهر ایفا کنند. مدیریت شهری باید این ظرفیت عظیم را به عنوان یک فرصت راهبردی ببیند، نه صرفاً یک مخاطب خدمات.

منشور حکمرانی شهری معتقد است که فضاهای فرهنگی و اجتماعی شهر باید بیش از گذشته در اختیار فعالیت‌های مردمی قرار گیرند. نقش مدیریت شهری در این حوزه، تسهیل‌گری، حمایت و ایجاد بستر مناسب برای فعالیت‌های عمومی است. هرچه سهم مردم در اداره و بهره‌برداری از این فضاها افزایش یابد، میزان خلاقیت، تنوع و اثربخشی برنامه‌ها نیز بیشتر خواهد شد.

یکی از اهداف مهم این رویکرد، توسعه «فرهنگ تولید» به جای «فرهنگ مصرف» است. شهروندان نباید صرفاً مصرف‌کننده برنامه‌های فرهنگی باشند؛ بلکه باید امکان تولید محتوا، خلق آثار هنری، مشارکت در برنامه‌های آموزشی و ایفای نقش فعال در زندگی فرهنگی شهر را داشته باشند. شهر فرهنگی شهری است که در آن هر شهروند بتواند استعدادها و توانایی‌های خود را بروز دهد.

این منشور همچنین بر عدالت فرهنگی تأکید دارد. دسترسی به امکانات فرهنگی، آموزشی و تفریحی نباید به مناطق خاصی از شهر محدود شود. همه شهروندان، فارغ از محل سکونت خود، باید از فرصت برابر برای بهره‌مندی از خدمات فرهنگی و اجتماعی برخوردار باشند. توسعه متوازن امکانات فرهنگی در سطح شهر یکی از الزامات تحقق عدالت شهری است.

در این میان، توجه به گروه‌های مختلف سنی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. کودکان، نوجوانان، جوانان، خانواده‌ها و سالمندان هر یک نیازهای متفاوتی دارند و برنامه‌ریزی فرهنگی باید این تنوع را در نظر بگیرد. فضاهای عمومی موفق فضاهایی هستند که بتوانند پاسخگوی نیازهای طیف گسترده‌ای از شهروندان باشند.

پارک‌ها و فضاهای فراغت نیز باید از نگاه صرفاً کالبدی خارج شوند. بوستان‌ها می‌توانند به مراکز تعامل اجتماعی، آموزش شهروندی، فعالیت‌های داوطلبانه، ورزش همگانی و ارتقای سلامت عمومی تبدیل شوند. هر اندازه حضور مردم در فضاهای عمومی بیشتر باشد، نشاط اجتماعی و احساس تعلق به شهر نیز افزایش خواهد یافت.

چشم‌انداز این منشور، شهری است که در آن فرهنگ و اجتماع به اندازه عمران و زیرساخت اهمیت داشته باشند؛ شهری که فضاهای عمومی آن زنده، پویا و در خدمت مردم باشند؛ شهری که شهروندان در آن نه تنها مصرف‌کننده خدمات فرهنگی، بلکه تولیدکننده فرهنگ، دانش و سرمایه اجتماعی باشند.

تهران، ری و تجریش برای تبدیل شدن به شهری سرزنده، خلاق و آینده‌ساز، نیازمند بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود هستند. چندمنظوره‌سازی فضاها و مشارکت سازمان‌یافته گروه‌های مردمی و جهادی، دو گام اساسی در مسیر تحقق این چشم‌انداز خواهند بود.

فصل دوازدهم:

محیط زیست و کشاورزی شهری

از شهر خاکستری به شهر سبز و زیست‌پذیر

کیفیت زندگی در شهرها تنها به میزان درآمد، تعداد ساختمان‌ها یا حجم پروژه‌های عمرانی وابسته نیست. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های زیست‌پذیری شهرها، میزان دسترسی شهروندان به طبیعت، کیفیت محیط زیست و سلامت اکولوژیک محیط شهری است. شهرهایی که نتوانند میان توسعه کالبدی و حفاظت از محیط زیست تعادل برقرار کنند، در بلندمدت با چالش‌های جدی در حوزه سلامت، کیفیت هوا، منابع آب، تاب‌آوری اقلیمی و رفاه عمومی مواجه خواهند شد.

تهران، ری و تجریش طی دهه‌های گذشته با رشد سریع جمعیت، گسترش ساخت‌وسازها، افزایش ترافیک، کاهش نفوذپذیری زمین و فشار بر منابع طبیعی روبه‌رو بوده‌اند. این روند اگرچه بخشی از فرآیند توسعه شهری بوده است، اما در برخی موارد موجب کاهش سهم طبیعت در زندگی روزمره شهروندان شده است. آلودگی هوا، افزایش دمای شهری، کاهش سرانه فضای سبز در برخی مناطق و تهدید اراضی پیرامونی، تنها بخشی از پیامدهای این وضعیت هستند.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که توسعه پایدار بدون توجه به محیط زیست ممکن نیست. شهر آینده باید نه تنها برای انسان‌ها، بلکه برای حفظ منابع طبیعی و حقوق نسل‌های آینده نیز برنامه‌ریزی کند. به همین دلیل، توسعه فضای سبز و حفاظت از اراضی طبیعی یکی از ارکان اصلی این منشور محسوب می‌شود.

برخلاف برخی رویکردها که توسعه فضای سبز را صرفاً به احداث پارک‌های بزرگ محدود می‌کنند، این منشور نگاه گسترده‌تری به موضوع دارد. فضای سبز باید در همه سطوح شهر حضور داشته باشد؛ از خانه‌ها و مجتمع‌های مسکونی گرفته تا کوچه‌ها، محلات، مراکز آموزشی، اداری و فضاهای عمومی. طبیعت زمانی به بخشی از زندگی شهری تبدیل می‌شود که در دسترس همه شهروندان باشد.

نخستین راهبرد این فصل، «فضای سبز خانگی و محله‌ای» است. این راهبرد بر این اصل استوار است که توسعه فضای سبز نباید صرفاً یک وظیفه دولتی یا شهرداری تلقی شود. شهروندان نیز می‌توانند نقش مستقیمی در سبزتر شدن شهر ایفا کنند. تجربه بسیاری از شهرهای موفق جهان نشان داده است که پایدارترین فضاهای سبز، آن‌هایی هستند که مردم در ایجاد و نگهداری آن‌ها مشارکت دارند.

در این نگاه، هر خانه، هر مجتمع مسکونی، هر مدرسه، هر مسجد، هر مرکز فرهنگی و هر محله می‌تواند بخشی از شبکه فضای سبز شهر باشد. کاشت درختان، ایجاد باغچه‌های محلی، توسعه بام‌های سبز، استفاده از فضاهای بلااستفاده برای کاشت پوشش گیاهی و مشارکت شهروندان در نگهداری محیط، می‌تواند به تدریج سیمای شهر را دگرگون کند.

یکی از مزایای مهم این رویکرد، توزیع عادلانه‌تر فضای سبز در سطح شهر است. در حالی که ایجاد پارک‌های بزرگ معمولاً به زمین‌های وسیع و منابع مالی قابل توجه نیاز دارد، توسعه فضای سبز محله‌ای می‌تواند با هزینه کمتر و مشارکت بیشتر شهروندان انجام شود. این رویکرد به ویژه در مناطق متراکم شهری اهمیت زیادی دارد.

فضای سبز محله‌ای علاوه بر آثار زیست‌محیطی، نقش مهمی در تقویت روابط اجتماعی نیز دارد. هنگامی که شهروندان برای نگهداری و توسعه محیط زندگی خود مشارکت می‌کنند، حس تعلق، مسئولیت‌پذیری و همکاری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. طبیعت در اینجا تنها یک عنصر زیست‌محیطی نیست، بلکه بستری برای تقویت سرمایه اجتماعی شهر نیز محسوب می‌شود.

این منشور همچنین بر آموزش و فرهنگ‌سازی در حوزه محیط زیست تأکید دارد. حفاظت از طبیعت تنها از طریق مقررات امکان‌پذیر نیست. شهروندان باید از دوران کودکی با اهمیت فضای سبز، صرفه‌جویی در مصرف منابع، حفاظت از محیط زیست و مسئولیت‌های زیست‌محیطی آشنا شوند. مدارس، فرهنگسراها، رسانه‌های شهری و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند.

دومین راهبرد این فصل، «کمربند سبز حفاظتی» است. توسعه شهرها اگر بدون کنترل و برنامه‌ریزی انجام شود، به تدریج موجب از بین رفتن اراضی کشاورزی، باغات، منابع طبیعی و حریم‌های زیست‌محیطی خواهد شد. بسیاری از شهرهای بزرگ جهان برای جلوگیری از این روند، از سیاست ایجاد کمربندهای سبز پیرامونی استفاده کرده‌اند.

کمربند سبز مجموعه‌ای از اراضی طبیعی، باغات، فضاهای سبز و مناطق حفاظت‌شده است که در پیرامون شهر قرار می‌گیرد و از گسترش بی‌رویه ساخت‌وسازها جلوگیری می‌کند. این کمربند علاوه بر نقش زیست‌محیطی، ابزاری مهم برای مدیریت توسعه شهری نیز محسوب می‌شود.

در تهران، ری و تجریش، حفظ حریم شهر و جلوگیری از تغییر کاربری بی‌ضابطه اراضی پیرامونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توسعه نامتوازن و تجاوز به اراضی طبیعی، نه تنها محیط زیست را تهدید می‌کند، بلکه هزینه‌های سنگینی را در حوزه زیرساخت، حمل‌ونقل و خدمات شهری بر شهر تحمیل خواهد کرد.

منشور حکمرانی شهری از سیاست‌های قاطع در زمینه حفاظت از کمربند سبز و جلوگیری از تخریب اراضی ارزشمند حمایت می‌کند. حفظ باغات، صیانت از اراضی کشاورزی، جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز و تقویت نظارت بر حریم شهر، بخشی از الزامات تحقق این راهبرد است.

کمربند سبز علاوه بر حفاظت محیط زیستی، می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت هوا، کاهش اثرات جزیره حرارتی شهر، افزایش تنوع زیستی و توسعه فعالیت‌های گردشگری و فراغتی ایفا کند. این فضاها در واقع بخشی از زیرساخت حیاتی شهر محسوب می‌شوند و ارزش آن‌ها کمتر از پروژه‌های عمرانی نیست.

این منشور همچنین بر توسعه کشاورزی شهری تأکید دارد. کشاورزی شهری می‌تواند در مقیاس‌های مختلف، از باغچه‌های خانگی گرفته تا فضاهای کشاورزی محله‌ای و پروژه‌های آموزشی، گسترش یابد. این فعالیت‌ها علاوه بر آثار زیست‌محیطی، به ارتقای آگاهی عمومی، امنیت غذایی، مشارکت اجتماعی و آموزش نسل‌های آینده نیز کمک می‌کنند.

در نگاه این منشور، طبیعت یک کالای لوکس نیست که تنها در برخی مناطق شهر وجود داشته باشد. طبیعت بخشی از حق شهروندی است و همه مردم باید بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. شهر سبز، شهری سالم‌تر، شاداب‌تر، تاب‌آورتر و انسانی‌تر خواهد بود.

چشم‌انداز این منشور، شهری است که در آن توسعه و محیط زیست در تعارض با یکدیگر قرار نگیرند؛ شهری که هر محله سهمی از طبیعت داشته باشد؛ شهری که شهروندان خود را در حفظ محیط زیست مسئول بدانند؛ و شهری که حریم طبیعی آن برای نسل‌های آینده حفظ شود.

تهران، ری و تجریش برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی آینده، نیازمند گسترش فضای سبز مردمی و حفاظت قاطع از کمربند سبز پیرامونی هستند. این دو راهبرد می‌توانند پایه‌های یک شهر سالم، پایدار و زیست‌پذیر را برای دهه‌های آینده بنا کنند.

فصل سیزدهم:

تابلوهای محیطی و رسانه‌های شهری

از بیلبردهای تجاری تا شبکه ارتباطی شهر

در بسیاری از شهرهای جهان، رسانه‌های شهری دیگر صرفاً ابزاری برای کسب درآمد از تبلیغات تجاری نیستند، بلکه بخشی از نظام حکمرانی شهری محسوب می‌شوند. این رسانه‌ها می‌توانند به رونق اقتصادی محلات کمک کنند، آموزش‌های عمومی را گسترش دهند، در شرایط بحران اطلاع‌رسانی کنند، هویت شهری را تقویت نمایند و ارتباطی مستمر میان شهر و شهروندان برقرار سازند.

تهران، ری و تجریش یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های تبلیغات محیطی کشور را در اختیار دارند. هزاران بیلبرد، تابلو، نمایشگر دیجیتال، استرابورد، تابلوهای محلی و سازه‌های اطلاع‌رسانی در سطح شهر فعال هستند. با وجود این ظرفیت عظیم، هنوز بخش مهمی از توان این شبکه در خدمت اهداف راهبردی شهر قرار نگرفته است و در بسیاری از موارد تنها به عنوان یک منبع درآمد تبلیغاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منشور حکمرانی شهری معتقد است که رسانه‌های شهری باید از یک ابزار صرفاً اقتصادی به یک ابزار چندمنظوره برای توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی شهر تبدیل شوند. این نگاه مبنای راهبردهای این فصل را تشکیل می‌دهد.

نخستین راهبرد این منشور، «تبلیغات ارزان برای کسب‌وکارهای محلی» است. یکی از مشکلات بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، هزینه بالای تبلیغات و دسترسی محدود به رسانه‌های مؤثر است. در حالی که شرکت‌های بزرگ توانایی استفاده گسترده از ظرفیت‌های تبلیغاتی را دارند، بسیاری از کسب‌وکارهای محلی، مشاغل خانگی، کارگاه‌های کوچک، تولیدکنندگان خرد و خدمات محله‌ای از چنین امکانی برخوردار نیستند.

مدیریت شهری می‌تواند بخشی از ظرفیت تبلیغاتی شهر را به حمایت از اقتصاد محلی اختصاص دهد. ایجاد سازوکارهایی برای دسترسی ارزان‌تر کسب‌وکارهای کوچک به تبلیغات محیطی، می‌تواند نقش مهمی در رونق اقتصادی محلات ایفا کند. هرچه اقتصاد محله‌ای تقویت شود، اشتغال محلی افزایش می‌یابد، سرمایه در محله گردش می‌کند و وابستگی شهروندان به سفرهای غیرضروری کاهش پیدا می‌کند.

این سیاست در واقع نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی در اقتصاد شهری است. حمایت از تبلیغات کسب‌وکارهای کوچک به معنای حمایت از خانواده‌ها، کارآفرینان محلی و تولیدکنندگان واقعی است. مدیریت شهری باید تلاش کند تا بخشی از امکانات تبلیغاتی شهر در خدمت رشد این بخش از اقتصاد قرار گیرد.

دومین راهبرد این فصل، «کنترل محتوایی و رسانه‌ای» است. رسانه‌های شهری تنها ابزار انتقال پیام‌های تجاری نیستند. هر روز میلیون‌ها نفر از شهروندان در معرض پیام‌هایی قرار می‌گیرند که بر تابلوها، نمایشگرها و سازه‌های تبلیغاتی شهر نمایش داده می‌شود. بنابراین محتوای منتشرشده در این فضاها می‌تواند بر فرهنگ عمومی، سبک زندگی، رفتار اجتماعی و حتی ادراک شهروندان از محیط پیرامون خود تأثیرگذار باشد.

منشور حکمرانی شهری معتقد است که رسانه‌های شهری باید در چارچوب قوانین کشور، مصالح عمومی، هویت فرهنگی شهر و منافع اجتماعی مدیریت شوند. این به معنای ایجاد محدودیت‌های غیرضروری نیست، بلکه به معنای توجه مسئولانه به آثار فرهنگی و اجتماعی پیام‌های عمومی است.

بخشی از ظرفیت رسانه‌های شهری می‌تواند به ترویج فرهنگ شهروندی، آموزش‌های عمومی، حفاظت از محیط زیست، مسئولیت اجتماعی، قانون‌مداری، ارتقای سلامت عمومی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت هویت شهری اختصاص یابد. در این نگاه، هر تابلو شهری می‌تواند علاوه بر کارکرد اقتصادی، نقشی آموزشی و فرهنگی نیز ایفا کند.

سومین راهبرد این منشور، «نظم‌بخشی و جانمایی قانونی» است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های بسیاری از کلان‌شهرها، آلودگی بصری ناشی از پراکندگی نامناسب تابلوها و سازه‌های تبلیغاتی است. اگر توسعه تبلیغات محیطی بدون ضابطه و برنامه انجام شود، نتیجه آن کاهش کیفیت منظر شهری، اختلال در دید شهری، کاهش ایمنی ترافیکی و آسیب به هویت بصری شهر خواهد بود.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که توسعه تبلیغات محیطی باید بر پایه ضوابط روشن، استانداردهای فنی و اصول شهرسازی انجام شود. محل استقرار تابلوها، ابعاد آن‌ها، فاصله از معابر، تأثیر بر ایمنی ترافیک، هماهنگی با منظر شهری و رعایت حقوق شهروندان، همگی باید در فرآیند صدور مجوز و نظارت مورد توجه قرار گیرند.

شهر زیبا نیازمند نظم بصری است. تابلوهای تبلیغاتی نباید به عاملی برای آشفتگی محیط شهری تبدیل شوند. بلکه باید در چارچوب یک نظام طراحی منسجم، بخشی از هویت بصری شهر را شکل دهند.

چهارمین راهبرد این فصل، «اطلاع‌رسانی شهروندی» است. شهر مدرن نیازمند شبکه‌ای گسترده و قابل اعتماد برای ارتباط با شهروندان است. در شرایط عادی، این شبکه می‌تواند برای اطلاع‌رسانی خدمات شهری، برنامه‌های فرهنگی، آموزش‌های عمومی و آگاهی‌بخشی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. اما اهمیت واقعی آن در شرایط بحران آشکار می‌شود.

در زمان وقوع حوادث طبیعی، بحران‌های زیست‌محیطی، شرایط اضطراری، آلودگی شدید هوا، محدودیت‌های ترافیکی یا سایر شرایط خاص، رسانه‌های شهری می‌توانند یکی از سریع‌ترین و مؤثرترین ابزارهای اطلاع‌رسانی عمومی باشند. مدیریت شهری باید این ظرفیت را به عنوان بخشی از زیرساخت مدیریت بحران شهر حفظ و تقویت کند.

این منشور همچنین بر توسعه فناوری‌های نوین در حوزه رسانه‌های شهری تأکید دارد. نمایشگرهای هوشمند، سامانه‌های دیجیتال، تابلوهای تعاملی و ابزارهای نوین ارتباطی می‌توانند کیفیت اطلاع‌رسانی و بهره‌وری این شبکه را افزایش دهند. البته توسعه فناوری باید همواره با رعایت حقوق شهروندان، حفظ آرامش بصری شهر و توجه به استانداردهای ایمنی همراه باشد.

در نگاه این منشور، رسانه‌های شهری تنها محلی برای فروش فضای تبلیغاتی نیستند. آن‌ها بخشی از زیرساخت حکمرانی شهری هستند؛ زیرساختی که می‌تواند هم به اقتصاد شهر کمک کند، هم فرهنگ عمومی را ارتقا دهد، هم در شرایط بحران جان انسان‌ها را نجات دهد و هم ارتباط میان مدیریت شهری و مردم را تقویت کند.

چشم‌انداز این منشور، ایجاد شبکه‌ای هوشمند، منظم، مردمی و چندمنظوره از رسانه‌های شهری است. شبکه‌ای که در آن منافع اقتصادی، نیازهای فرهنگی، الزامات ایمنی و حقوق شهروندی در کنار یکدیگر دیده شوند و رسانه‌های شهری به ابزاری برای توسعه همه‌جانبه شهر تبدیل شوند.

تهران، ری و تجریش به نظام رسانه‌ای شهری نیاز دارند که در خدمت مردم، توسعه اقتصادی محلات، ارتقای فرهنگ عمومی و مدیریت هوشمند شهر باشد. تحقق این هدف می‌تواند یکی از مهم‌ترین گام‌ها در مسیر حکمرانی نوین شهری باشد.

فصل چهاردهم:

بازیافت، پسماند و اقتصاد گردش شهری

از زباله به ثروت؛ از هزینه به فرصت

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت مدیریت شهری، نحوه مدیریت پسماند و پاکیزگی محیط شهری است. شهروندان هر روز کیفیت عملکرد مدیریت شهری را در خیابان‌ها، کوچه‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی مشاهده می‌کنند و یکی از ملموس‌ترین جلوه‌های حکمرانی شهری، نحوه جمع‌آوری و مدیریت زباله است. با این حال، مدیریت پسماند تنها به جمع‌آوری زباله محدود نمی‌شود؛ بلکه مجموعه‌ای از مسائل زیست‌محیطی، اقتصادی، فناورانه، اجتماعی و... را در بر می‌گیرد که می‌تواند بر آینده شهر تأثیر عمیق بگذارد.

در گذشته، پسماند عمدتاً به عنوان یک مشکل و هزینه تلقی می‌شد. هدف اصلی آن بود که زباله‌ها هرچه سریع‌تر از سطح شهر جمع‌آوری و به محل دفن منتقل شوند. اما تجربه جهانی نشان داده است که این نگاه دیگر پاسخگوی نیازهای شهرهای مدرن نیست. امروزه بسیاری از شهرهای پیشرو جهان، پسماند را به عنوان یک منبع اقتصادی و بخشی از چرخه تولید ثروت می‌بینند. در این شهرها، زباله نه پایان یک فرآیند، بلکه آغاز یک چرخه جدید اقتصادی محسوب می‌شود.

تهران، ری و تجریش روزانه هزاران تن پسماند تولید می‌کنند. بخش قابل توجهی از این پسماندها قابلیت بازیافت، استفاده مجدد یا تبدیل به انرژی را دارند. در عین حال، هزینه‌های جمع‌آوری، حمل، پردازش و دفن پسماند نیز هر سال افزایش می‌یابد. این وضعیت ضرورت حرکت به سمت یک نظام نوین مدیریت پسماند را بیش از پیش آشکار می‌کند.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که مدیریت پسماند باید از یک نظام صرفاً خدماتی به یک نظام اقتصادی، زیست‌محیطی و مشارکتی تبدیل شود. هدف نهایی، حرکت به سوی «اقتصاد گردشی شهری» است؛ اقتصادی که در آن منابع تا حد امکان دوباره وارد چرخه تولید و مصرف شوند و کمترین میزان پسماند نهایی تولید گردد.

نخستین راهبرد این فصل، «تفکیک از مبدأ و بازیافت محلی» است. تجربه جهانی نشان می‌دهد که موفق‌ترین نظام‌های بازیافت، آن‌هایی هستند که فرآیند تفکیک را از محل تولید پسماند آغاز می‌کنند. هرچه زباله‌ها در همان مرحله نخست به شکل دقیق‌تر تفکیک شوند، امکان بازیافت، کاهش هزینه‌ها و بازگشت منابع به اقتصاد نیز بیشتر خواهد شد.

در این نگاه، شهروندان نقش محوری در موفقیت نظام مدیریت پسماند دارند. هیچ فناوری یا زیرساختی نمی‌تواند جایگزین مشارکت مردم در تفکیک زباله شود. به همین دلیل، آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی، ایجاد انگیزه‌های اقتصادی و طراحی سازوکارهای ساده و قابل دسترس برای تفکیک از مبدأ، باید در اولویت مدیریت شهری قرار گیرد.

منشور حکمرانی شهری از توسعه مراکز بازیافت محله‌ای و منطقه‌ای حمایت می‌کند. بخشی از فرآیند بازیافت می‌تواند در مقیاس محله انجام شود تا علاوه بر کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، زمینه ایجاد اشتغال محلی و مشارکت بیشتر شهروندان نیز فراهم گردد.

این رویکرد می‌تواند زباله را از یک هزینه شهری به یک منبع درآمد خانوادگی و محلی تبدیل کند. علاوه بر مزایای اقتصادی، تفکیک از مبدأ موجب کاهش حجم زباله دفنی، افزایش عمر مراکز پردازش و کاهش آثار زیست‌محیطی ناشی از دفن پسماند خواهد شد. هر کیلوگرم زباله‌ای که بازیافت می‌شود، به معنای صرفه‌جویی در منابع طبیعی، انرژی و هزینه‌های عمومی است.

دومین راهبرد این منشور، «صنعت زباله و انرژی» است. بخش مهمی از پسماندهای شهری قابلیت تبدیل به انرژی، سوخت یا مواد اولیه صنایع مختلف را دارند. بسیاری از کشورها توانسته‌اند با استفاده از فناوری‌های نوین، بخشی از برق، انرژی حرارتی یا مواد صنعتی مورد نیاز خود را از طریق پردازش پسماند تأمین کنند.

تهران، ری و تجریش نیز باید از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی و فناوری‌های نوین برای توسعه صنعت بازیافت و انرژی بهره ببرند. پسماند نباید صرفاً به عنوان بار مالی مدیریت شود؛ بلکه باید به عنوان یک منبع بالقوه برای خلق ارزش اقتصادی دیده شود.

این منشور از توسعه فناوری‌های پاک، سرمایه‌گذاری در صنایع بازیافت، حمایت از نوآوری‌های مرتبط با مدیریت پسماند و ایجاد بازارهای جدید برای محصولات بازیافتی حمایت می‌کند. البته هرگونه استفاده از فناوری‌های تبدیل پسماند به انرژی باید با رعایت کامل استانداردهای زیست‌محیطی، بهداشتی و سلامت عمومی انجام شود.

هدف این راهبرد آن است که بخشی از هزینه‌های مدیریت پسماند از طریق درآمدهای حاصل از بازیافت و تولید انرژی جبران شود. این موضوع می‌تواند به کاهش فشار بر بودجه شهری و افزایش پایداری مالی خدمات عمومی کمک کند.

سومین راهبرد این فصل، «ناوگان مدرن و جمع‌آوری منظم» است. حتی پیشرفته‌ترین نظام‌های بازیافت نیز بدون شبکه‌ای کارآمد برای جمع‌آوری پسماند موفق نخواهند بود. شهروندان انتظار دارند که خدمات جمع‌آوری زباله با نظم، دقت، سرعت و کیفیت مناسب انجام شود و محیط شهری همواره پاکیزه و بهداشتی باقی بماند.

منشور حکمرانی شهری بر نوسازی ناوگان جمع‌آوری پسماند، استفاده از تجهیزات مدرن، بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند و ارتقای استانداردهای خدمات تأکید دارد. خودروهای فرسوده، برنامه‌های نامنظم جمع‌آوری و ضعف در پاسخگویی به شکایات، نه تنها کیفیت خدمات را کاهش می‌دهند بلکه موجب نارضایتی عمومی نیز می‌شوند.

در شهر هوشمند آینده، مدیریت پسماند نیز باید هوشمند باشد. استفاده از داده‌ها، سامانه‌های پایش، مسیرهای بهینه جمع‌آوری، تجهیزات نوین و فناوری‌های دیجیتال می‌تواند بهره‌وری این حوزه را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. شهروندان نیز باید بتوانند از طریق سامانه‌های ارتباطی، مشکلات و درخواست‌های خود را به سرعت ثبت و پیگیری کنند.

یکی دیگر از اهداف این منشور، ارتقاء شأن و امنیت شغلی فعالان حوزه پسماند است. هزاران نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم در فرآیند جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت فعالیت می‌کنند. بهبود شرایط کاری، افزایش ایمنی، آموزش تخصصی و حمایت از فعالان این حوزه، بخشی از مسئولیت مدیریت شهری است.

در نگاه این منشور، پسماند صرفاً یک مسئله خدماتی نیست؛ بلکه موضوعی مرتبط با اقتصاد، محیط زیست، سلامت عمومی، فناوری و مشارکت اجتماعی است. هر تصمیم در این حوزه می‌تواند آثار بلندمدتی بر کیفیت زندگی شهروندان و آینده شهر داشته باشد. چشم‌انداز این منشور، شهری پاک، هوشمند و پایدار است؛ شهری که در آن زباله به حداقل برسد، بازیافت به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود، فناوری در خدمت محیط زیست قرار گیرد و پسماند به جای آنکه یک هزینه دائمی باشد، به بخشی از اقتصاد مولد شهر تبدیل شود.

تهران، ری و تجریش برای دستیابی به آینده‌ای پایدار، نیازمند گذار از مدیریت سنتی پسماند به اقتصاد گردش شهری هستند. تفکیک از مبدأ، توسعه صنعت بازیافت و انرژی، و ایجاد ناوگان مدرن خدمات شهری، سه ستون اصلی این تحول خواهند بود.

فصل پانزدهم:

حکمرانی هوشمند، شفافیت و پاسخگویی

از مدیریت پشت درهای بسته تا مدیریت در برابر مردم

تمام برنامه‌ها، پروژه‌ها، بودجه‌ها، طرح‌های توسعه‌ای، خدمات شهری و سرمایه‌گذاری‌های عمومی در نهایت به یک پرسش بنیادین بازمی‌گردند: چه کسی بر اداره شهر نظارت می‌کند؟

اگر بهترین پروژه‌های عمرانی ساخته شوند اما مردم از نحوه تصمیم‌گیری‌ها آگاه نباشند، اگر بودجه‌های کلان شهری هزینه شوند اما امکان نظارت عمومی وجود نداشته باشد، اگر مدیران شهری در برابر شهروندان پاسخگو نباشند، اگر اطلاعات عمومی در اختیار مردم قرار نگیرد و اگر شهروندان احساس کنند در فرآیند اداره شهر سهمی ندارند، اعتماد عمومی به تدریج تضعیف خواهد شد.

منشور حکمرانی شهری بر این باور است که مهم‌ترین سرمایه هر شهر نه ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها، بلکه اعتماد مردم است. هیچ شهری بدون اعتماد عمومی، مشارکت مردمی و پاسخگویی مسئولان نمی‌تواند مسیر توسعه پایدار را طی کند. به همین دلیل، حکمرانی هوشمند، شفافیت و پاسخگویی به عنوان ستون‌نهایی و پیونددهنده تمامی فصل‌های این منشور تعریف می‌شود.

شهر متعلق به مردم است و مسئولان صرفاً امانت‌داران موقت منابع، اختیارات و فرصت‌هایی هستند که شهروندان در اختیار آنان قرار داده‌اند. بنابراین مردم حق دارند بدانند چه تصمیمی گرفته می‌شود، چرا گرفته می‌شود، منابع چگونه هزینه می‌شوند و نتایج تصمیمات چه خواهد بود.

نخستین راهبرد این فصل، «شفافیت حداکثری» است. اطلاعات عمومی شهر باید تا حد امکان در دسترس عموم مردم قرار گیرد. بودجه شهرداری، قراردادهای پروژه‌های عمرانی، وضعیت درآمدها، هزینه‌ها، مصوبات شورا، میزان پیشرفت طرح‌ها و گزارش‌های نظارتی باید به شکلی ساده، قابل فهم و قابل دسترس منتشر شوند.

شفافیت صرفاً انتشار اطلاعات نیست. اطلاعات زمانی ارزشمند است که مردم بتوانند آن را درک کنند، مقایسه کنند و درباره آن بپرسند. مدیریت شهری باید از نگاه مالکانه به اطلاعات فاصله بگیرد و داده‌های عمومی را به عنوان حق شهروندان به رسمیت بشناسد.

شورای شهر مطابق قانون وظیفه نظارت بر عملکرد شهرداری را بر عهده دارد. این نظارت زمانی مؤثر خواهد بود که مردم نیز بتوانند در کنار شورا، فرآیند اداره شهر را مشاهده و ارزیابی کنند. منشور حکمرانی شهری از توسعه سامانه‌های شفافیت و انتشار مستمر داده‌های شهری حمایت می‌کند.

دومین راهبرد این فصل، «فناوری برای نظارت» است. شهر مدرن بدون داده و فناوری قابل اداره نیست. همان‌گونه که فناوری می‌تواند در حمل‌ونقل، خدمات شهری و مدیریت پسماند تحول ایجاد کند، می‌تواند ابزار قدرتمندی برای نظارت، ارزیابی عملکرد و پیشگیری از فساد نیز باشد. مدیریت شهری باید به سمت ایجاد سامانه‌های هوشمند پایش پروژه‌ها، نظارت بر قراردادهای رصد عملکرد سازمان‌های وابسته و ارزیابی کیفیت خدمات حرکت کند. هرچه تصمیم‌گیری‌ها مبتنی بر داده‌های واقعی‌تر باشند، امکان خطا، تبعیض و تصمیمات غیرکارشناسی نیز کاهش خواهد یافت.

فناوری همچنین باید امکان مشارکت مستقیم شهروندان را فراهم کند. مردم باید بتوانند مشکلات شهری را گزارش دهند، وضعیت رسیدگی را پیگیری کنند، پیشنهادهای خود را ارائه دهند و نتایج اقدامات مدیریت شهری را مشاهده کنند. در این نگاه، فناوری پلی میان شهروندان و مدیریت شهری خواهد بود.

سومین راهبرد این منشور، «حضور میدانی و پاسخگویی مستقیم» است. هیچ سامانه‌ای نمی‌تواند جایگزین ارتباط مستقیم مدیران با مردم شود. بسیاری از مشکلات شهر در جلسات رسمی و گزارش‌های اداری دیده نمی‌شوند، اما در کوچه‌ها، محلات و زندگی روزمره مردم کاملاً آشکار هستند.

مدیر شهری باید شهر را از پشت پنجره ساختمان‌های اداری اداره نکند. حضور مستمر در محلات، گفت‌وگوی مستقیم با شهروندان، بازدیدهای میدانی و شنیدن بی‌واسطه مسائل مردم، بخشی از الزامات حکمرانی موفق است. تصمیم‌گیری زمانی دقیق‌تر خواهد بود که بر پایه واقعیت‌های زندگی مردم انجام شود.

این منشور معتقد است که پاسخگویی نباید محدود به دوره انتخابات باشد. مسئولان باید در تمام دوران مسئولیت خود در معرض پرسشگری عمومی قرار داشته باشند. مردم حق دارند عملکرد مدیران را ارزیابی کنند و مدیران نیز موظف‌اند درباره اقدامات خود توضیح دهند.

چهارمین راهبرد این فصل، «حکمرانی محله‌محور» است. بسیاری از مسائل شهری پیش از آنکه به سطح شهر برسند، در سطح محله شکل می‌گیرند. به همین دلیل، بخشی از فرآیند تصمیم‌سازی و نظارت باید به محلات نزدیک‌تر شود. شوراهای محلی، نهادهای مردمی، گروه‌های جهادی، سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در شناسایی مسائل، ارائه راه‌حل‌ها و نظارت بر اجرای پروژه‌ها ایفا کنند. مدیریت شهری زمانی موفق خواهد بود که بتواند از ظرفیت دانایی و تجربه مردم بهره بگیرد.

در این نگاه، مشارکت مردمی یک اقدام تشریفاتی نیست؛ بلکه بخشی از فرآیند حکمرانی است. مردم نه صرفاً مخاطب خدمات شهری، بلکه شریک اداره شهر هستند.

این منشور همچنین بر پاسخگویی مالی تأکید ویژه دارد. هر ریال از بودجه شهرداری متعلق به مردم است و نحوه هزینه‌کرد آن باید به صورت شفاف و قابل ارزیابی باشد. انضباط مالی، مقابله با هدررفت منابع، نظارت دقیق بر قراردادهای و گزارش‌دهی مستمر به افکار عمومی، از اصول اساسی حکمرانی مطلوب شهری محسوب می‌شود.

یکی دیگر از اهداف این منشور، تقویت فرهنگ مطالبه‌گری مسئولانه است. جامعه‌ای که مطالبه نمی‌کند، به تدریج از فرآیند تصمیم‌گیری حذف می‌شود. مطالبه‌گری آگاهانه و مبتنی بر منافع عمومی، نه تهدیدی برای مدیریت شهری، بلکه فرصتی برای اصلاح و بهبود آن است. مدیران موفق از نقد، پرسش و نظارت عمومی استقبال می‌کنند؛ زیرا این فرآیندها به ارتقای کیفیت تصمیمات کمک می‌کنند.

منشور حکمرانی شهری، تهران آینده را شهری می‌داند که در آن تصمیمات مهم پشت درهای بسته گرفته نمی‌شوند؛ شهری که مردم از وضعیت شهر خود آگاه هستند؛ شهری که مدیران آن در برابر افکار عمومی پاسخگو هستند؛ شهری که فناوری در خدمت شفافیت قرار گرفته است؛ و شهری که شهروندان خود را صاحبان واقعی آن می‌دانند.

تهران، ری و تجریش برای حل مسائل پیچیده آینده، بیش از هر چیز به اعتماد عمومی نیاز دارند. اعتماد نیز تنها از مسیر شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و حکمرانی هوشمند به دست می‌آید.

این منشور بر این باور است که آینده شهر نه با افزایش قدرت مدیران، بلکه با افزایش قدرت مردم ساخته خواهد شد.

شهر، تجلی زندگی مشترک میلیون‌ها انسانی است که هر روز در کنار یکدیگر کار می‌کنند، می‌آموزند، خانواده تشکیل می‌دهند، رؤیا می‌سازند و برای آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنند. هر تصمیمی که در مدیریت شهری گرفته می‌شود، به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کیفیت زندگی این انسان‌ها اثر می‌گذارد. به همین دلیل، حکمرانی شهری صرفاً یک مسئولیت اجرایی نیست؛ بلکه امانتی است که مردم به مدیران و نمایندگان خود می‌سپارند.

منشور حکمرانی شهری تلاشی است برای ترسیم چشم‌اندازی روشن از آینده تهران، ری و تجریش؛ آینده‌ای که در آن توسعه شهری تنها به ساخت پروژه‌های جدید محدود نمی‌شود، بلکه به معنای ارتقای کیفیت زندگی، گسترش عدالت، افزایش مشارکت مردم، حفاظت از محیط زیست، رونق اقتصاد محلی و تقویت سرمایه اجتماعی شهر است. این منشور بر این باور است که هیچ مسئله‌ای در شهر وجود ندارد که بدون حضور و مشارکت مردم به شکلی پایدار حل شود. همان‌گونه که هیچ مدیریتی نیز بدون شفافیت و پاسخگویی نمی‌تواند اعتماد عمومی را حفظ کند.

در این منشور تلاش شد تا مهم‌ترین حوزه‌های مدیریت شهری، از نظام تصمیم‌گیری و مشارکت مردمی گرفته تا فناوری، درآمد‌های پایدار، توسعه کالبدی، خدمات محله‌ای، محیط زیست، فرهنگ، اقتصاد شهری، رسانه‌های شهری، آرامستان‌ها و مدیریت پسماند، در قالب یک نگاه منسجم و آینده‌نگر مورد توجه قرار گیرد. وجه مشترک همه این راهبردها، باور به نقش مردم در اداره شهر و ضرورت پاسخگو بودن ساختارهای مدیریتی است.

تهران، ری و تجریش امروز با فرصت‌ها و چالش‌های بزرگی روبه‌رو هستند. از یک سو ظرفیت‌های عظیم انسانی، اقتصادی، فرهنگی و علمی در این شهر وجود دارد و از سوی دیگر مسائل پیچیده‌ای همچون نابرابری فضایی، ترافیک، آلودگی هوا، فرسودگی زیرساخت‌ها، فشارهای اقتصادی و محدودیت منابع، آینده شهر را تحت تأثیر قرار داده است. عبور از این چالش‌ها نیازمند مدیریتی است که هم شجاعت تصمیم‌گیری داشته باشد و هم فروتنی شنیدن صدای مردم را.

آینده مطلوب شهری، آینده‌ای نیست که تنها در اتاق‌های جلسات طراحی شود؛ بلکه آینده‌ای است که با مشارکت شهروندان، نخبگان، متخصصان، گروه‌های مردمی و جهادی، کسب‌وکارها و همه ذی‌نفعان شهر ساخته شود. شهر زمانی پیشرفت می‌کند که مردم خود را بخشی از راه حل بدانند، نه صرفاً مخاطب تصمیمات دیگران. از همین رو، این منشور از حکمرانی محله‌محور، مشارکت اجتماعی، شفافیت اطلاعات، نظارت مردمی و پاسخگویی مستمر حمایت می‌کند.

ما معتقدیم که توسعه واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که منافع آن به همه مناطق و همه اقشار جامعه برسد. عدالت شهری تنها یک شعار نیست؛ بلکه باید در بودجه‌ها، پروژه‌ها، خدمات عمومی، توزیع امکانات و فرصت‌های توسعه قابل مشاهده باشد. هیچ محله‌ای نباید از توجه و خدمات مناسب محروم بماند و هیچ شهروندی نباید احساس کند که صدایش در فرآیند اداره شهر شنیده نمی‌شود.

این منشور همچنین بر اهمیت نگاه بلندمدت تأکید دارد. بسیاری از تصمیمات شهری آثار خود را سال‌ها و حتی دهه‌ها بعد نشان می‌دهند. از این رو، مدیریت شهری باید فراتر از ملاحظات کوتاه‌مدت و روزمره بیندیشد و مسئولیت خود را در قبال نسل‌های آینده نیز

به رسمیت بشناسد. حفاظت از محیط زیست، صیانت از منابع عمومی، توسعه زیرساخت‌های پایدار و حفظ هویت تاریخی و فرهنگی شهر، بخشی از این مسئولیت است.

در نهایت، این منشور بر یک اصل بنیادین استوار است؛ اصلی که می‌تواند مبنای اعتماد متقابل میان مردم و مدیران شهری باشد: **شهروای شهر باید صدای مردم باشد؛ مطالبات مردم را پیگیری کند و مدیران شهری را نسبت به عملکردشان پاسخگو نگه دارد.**

تا زمانی که مردم بتوانند آزادانه مطالبات خود را مطرح کنند، بر عملکرد مسئولان نظارت داشته باشند و از نحوه اداره شهر آگاه باشند، امید به اصلاح، پیشرفت و توسعه پایدار زنده خواهد ماند و تا زمانی که مسئولان خود را در برابر مردم پاسخگو بدانند، مدیریت شهری می‌تواند از پشتوانه اعتماد عمومی برخوردار باشد.

منشور حکمرانی شهری، دعوتی است برای ساختن شهری مردمی‌تر، عادلانه‌تر، هوشمندتر و زیست‌پذیرتر؛ شهری که در آن توسعه با مشارکت مردم، عدالت با شفافیت، و پیشرفت با مسئولیت‌پذیری همراه باشد.

تهران، ری و تجریش شایسته چنین آینده‌ای هستند...

حسین کیانی نیا

۲۹ خردادماه ۱۴۰۵ هجری خورشیدی

قوانین و اسناد ملی:

- مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۳). «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (با آخرین اصلاحات)». تهران: مجلس شورای اسلامی.
- شهرداری تهران. (۱۴۰۲). «طرح جامع شهر تهران». تهران: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.
- شهرداری تهران. (۱۴۰۲). «طرح تفصیلی شهر تهران». تهران: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.
- شهرداری تهران. (۱۴۰۲). «برنامه چهارم تحول و پیشرفت شهر تهران». تهران: شهرداری تهران.
- وزارت راه و شهرسازی. (۱۴۰۱). «سند ملی آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران». تهران: وزارت راه و شهرسازی.

منابع علمی و نظری حکمرانی شهری:

- Ansell, C., & Gash, A. (۲۰۰۸). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of Public Administration Research and Theory, ۱۸*(۴), ۵۴۳-۵۷۱
- Gehl, J. (۲۰۱۰). *Cities for People*. Washington, DC: Island Press.
- Healey, P. (۲۰۰۶). *Collaborative Planning: Shaping Places in Fragmented Societies* (۲nd ed.). New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Jacobs, J. (۱۹۶۱). *The Death and Life of Great American Cities*. New York, NY: Random House.
- Ostrom, E. (۱۹۹۰). *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Putnam, R. D. (۱۹۹۳). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

اسناد بین‌المللی:

- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (۲۰۱۹). *Principles on Urban Policy and Governance*. Paris: OECD Publishing.
- United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat). (۲۰۱۶). *New Urban Agenda*. Quito: United Nations.
- United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat). (۲۰۲۰). *World Cities Report ۲۰۲۰: The Value of Sustainable Urbanization*. Nairobi: UN-Habitat.
- United Nations. (۲۰۱۵). *Transforming Our World: The ۲۰۳۰ Agenda for Sustainable Development*. New York: United Nations.
- World Bank. (۲۰۲۰). *Cities, Culture, Creativity: Leveraging Culture and Creativity for Sustainable Urban Development*. Washington, DC: World Bank.